

سخنرانی رئیس جمهور، در ملاقات با جمعی از خواهران



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلام علی رسول الله و آله (ص)
 همه خانمها خیلی خوش آمدند، چه خانمهای
 طلبه و محصل و چه خانمهای ورزشکار و
 خانمهای بسیجی و خانوادههای معظم شهدا.
 من از فرصت حضور شما استفاده می کنم و
 بخشی از مطالبی را که در مورد نقش خانمها
 در جامعه مان می خواستم عرض کنم، اینجا
 می گویم. اگرچه ممکن است جاهای دیگر هم
 بخشی از حرفها زده شده باشد اما به هر حال
 تاکید و تکرار مطلب می تواند ما را در رسیدن
 به اهدافمان کمک کند.

بعد از انقلاب اسلامی خوشبختانه زنان
 جامعه ما از یک خطر مهم و از یک دامی که
 فرهنگ منحن غربی در راه خانمهای مسلمان
 گذاشته بود، نجات پیدا کردند و مسیر زندگی
 خانمها اصلاح شد و پراه درستی افتادند، اما
 از نظر خود من بعنوان یک مسئول در نظام
 جمهوری اسلامی پیشرفته و دناوردها
 در حد مطلوب نیست. ما خطر را رفع کردیم
 بحمد الله، ولی به هر حال به جای آن فرهنگ
 غربی که سالها در کشور ما رسوخ کرده و
 زنان را، مخصوصاً نثر جوان خانمها را
 در معرض خطر قرار داده بود، باید چیزی
 جایگزین شود که بتواند نیاز خانمها را
 در جامعه و نیاز جامعه را به خانمها تأمین
 کند.

ما معارف کسلی اسلام را داریم.
 راهنمایهای قرآن و پیغمبر و علما را داریم.
 مسائل اخلاقی در حد کلی و با تاکید رویش
 کار می شود، ولی اینها برای زندگی اجتماعی
 خانمها کافی نیست. خوب نصف جامعه ما
 خانمها هستند و درد پدگاه ما خانمها هم
 انسان کاملند، مثل مردها، با تفاوتهایی که
 بخشی گفته مردها را می چرباند و بخشی هم
 گفته خانمها را. با اهداف خاصی که خداوند
 در فطرت برای هر جنس تعیین کرده، دوتنوع
 انسان کامل یکی زن و دیگری مرد، مکمل
 بشریت و مکمل همدیگر در تاریخ بشریتند و
 دارند با هم کار می کنند و زندگی می کنند.
 خوب، ما شکمی نداریم که امروز از نیروی
 خانمهایمان و از استعدادشان به اندازه
 استعداد مردها در جامعه استفاده نمی شود.
 عمدتاً خانمها وظیفه خانه داری خودشان را
 انجام می دهند، چون این دیگر یک حادی
 است که خود بخود دارد انجام می شود. و
 بطور سنتی تقسیم کار در جامعه هست، در
 زندگی مشترک هم همین وظیفه انجام
 می شود، ولی قطعاً تمام وظیفه خانمها این
 نیست. انتظار جامعه و حق جامعه هم بیش از
 این است، حق شماها هم بیش از این است.
 برای اینکه ما یک جامعه الگویی از تاریخ
 اسلام نداریم که بگوئیم آنجا خانمها چه
 نقشی داشتند و ما از روی آن الگو بخواهیم

ما بخاطر گرفتاریهایی که داریم، هنوز نیازهای کاری به اندازه نیروی کاریمان نیست. روزی اگر این جامعه فعال بشود و همه امکانات کشور نقد بشود و چرخ اقتصاد مملکت به سرعت بگردد، آن موقع ما نیروی کار خیلی نیاز داریم و آنوقت معنا ندارد که از خانمها استفاده درستی در جامعه نشود.

به هر حال ما قطعاً باید فکری بکنیم که خانمهایمان در همه ابعاد وارد میدان بشوند. فقط یک تفاوت وجود دارد که بخاطر شرائط روانی و جسمی و شرائطی که هست که ما می دانیم ممکن است مفاسدی داشته باشد، باید یک وضع درست اخلاقی و شرائط مناسب اجتماعی مراعات بشود که فساد در جامعه بوجود نیاید. همان چیزی که از آن می ترسیدیم و بخاطر آن، این محدودیتها دارد به وجود می آید. من فکر می کنم یکی از ضربیهایی که دارد به خانمها می خورد، مستقیماً از طریق همین خانمهای بی بند و بار معدودی است که در جامعه ما هستند. یک تعدادی کمی هستند. مثلاً ما اگر ۲۵-۲۶ میلیون خانم داشته باشیم، از بین اینها ممکن است یک درصد و بار و بی ملاحظه هستند. همان دو سه درصد راه را بر دیگران سدود می کنند. یعنی به گونه ای عمل می کنند که همه محتاط می شوند و می گویند، نه، مصلحت نیست آنها بیابند توی جامعه بیابند در میدان. حالا شاید آنها هم چنین قصدی نداشته باشند. آنها هم بخاطر انگیزه های خاصی که به هر حال توی انسانها هست توی این وضع می افتند. شاید هم خیال می کنند دارند روشنفکری می کنند و دارند طلسم شکنی می کنند و برای خانمها میدان درست می کنند. ولی اشتباه می کنند. در جامعه ما این نیست. اکثریت جامعه ما آن را نمی پسندند و بنابر این این باعث می شود که دیگران هم که می خواهند سالم و صادق و مخلص در جامعه خدمت کنند، بخاطر فضاوتی که مردم روی آنها می کنند و خطری که مسئولین احساس می کنند از آن شیوه برخورد ممکن است، دیگران هم مشکل پیدا بکنند. که این طور هم هست. در یک جلسه من می خواهم بگویم، همه چیز برای فعال شدن خانمها در کشور ما از لحاظ اسلامی مساعد است، ما فقط یک شرط داریم و آن اینکه بی بند و باری نباشد. یعنی خلاف اخلاق و تضعیف خانواده ها و تضعیف عفت عمومی نباشد. تفاوت ما با بقیه کشورهای که اینهمه برای خانمها هیاهو می کنند، همین است اگر خانمها این شرط را مراعات بکنند، دیگر مسئله اخلاقی وجود ندارد و در همه مسائل باید زحمت بکنند.

سریم زندگی خودمان را تطبیق دهیم. چنین چیزی نیست. در زمان پیغمبر که تنها زمان اجرای اسلام است، یک برهه ده ساله ای است که در آن ده ساله بتدریج قرآن نازل شده و احکام خدا اجرا شده. جنگ تقریباً همیشه بوده. سالی چند جنگ داشتند. چنین فرصتی پیش نیامده که آنجا همه مسائل بطور معینی در جامعه اجرا شده باشد. بعلاوه جامعه آن روز ساده بوده، بیشتر مسئله جنگ و دفاع بوده، یک کمی تجارت و کشاورزی و اینها. صنایع دستی هم در حد خیلی ساده. دیگر این زندگی پیچیده جامعه ما، در زمان پیغمبر نبوده که ما آن روز نقش خانمها را ببینیم. این مدرسه ها، این دانشگاهها این مراکز تحقیقاتی، این بیمارستانها، این سربازخانه ها، این کارخانه ها، این بازارها، این هنرکده ها و هنرستانها، این بخش عظیم هنری و نمایشها، همه اینها نبوده منتهای یک چیزهای ساده تری از مسائل ابتدائی آنجا بوده و ما، در زندگی پیغمبر (ص) نمی بینیم که در هیچ بخشی به فکر باشند که خانمها را ممنوع بکنند که اینها کار نکنند. سخت تریش که امروز حتی کشورهای مدعی پیشرفت هم از این جهت نمی توانند به آن برسند. میدانهای جنگ بوده که ما می بینیم پیغمبر، خانمها را با خودشان در میدانهای جنگ می بردند. پرستاری میکرد و جین، قسمت زبانش بعهده خانمها بوده و بانسمنها، جراحیها، معالجات، نه خانمهایی که بی بند و بار باشند که مثلاً نگران نباشند که بدنشان با بدن مجروح تماس بگیرد. خانمهای متدین، متعهد و فداکار، گسائیکه خیلی بیش پیامبر احترام داشتند. کیف جراحی داشتند و همراه پیامبر (ص) می رفتند و مردها را جراحی می کردند. اگر هم نیاز می شد، وارد جنگ می شدند. شمشیر داشتند، اسلحه داشتند و وقتی که خطر زیاد می شد، دفاع می کردند. اینها را شما زیاد شنیده اید و نمونه های را می دانید. خود خانمهای پیامبر، همسران پیامبر، فن دفاع را حسابی بلد بودند. در یکی از جنگها که همه مردها رفته بودند، در یکی از قلعه ها، همسران پیامبر بودند و یک مردی از آنها دفاع می کرد و کمک آنها بود، گویا دشمنان پیامبر (ص) قصد تجاوز به آن قلعه و نقطه را داشتند، همسر پیامبر خودش شمشیرش را برداشت و آمد هائین دفاع کرد. یعنی برای زندگی در این حد، اینقدر آمادگی داشتند. حالا این سطح بالا است. یعنی ما مشکلمان الان این نیست که خانمها سرباز باشند یا بروند بجنگند. آنجا را داریم می گوئیم. بنابر این ما از این نیروی عظیمی که نصف جمعیتمان است، استفاده نمی کنیم، البته حالا در جامعه

حالا به چه کار می‌گرویم؟ شما که اینجا هستید و همه هم از گروه‌های معظم و محترم ما و از طلبه‌ها هستند، خبر می‌کنیم، طلبه‌های رفته‌ها، شهادت روز و شب‌ها، خانمهای طلبه خوب ما و اقوام بسیار به خانمهای عالم، داریم که به علوم دینی مجهز باشند، خوب سرفه‌ها، ما به دعا هم می‌توانیم برای خانمها مسائل دینی را توضیح بدهیم، همانطور که در صبرها، محرم، بیهوش در نوشته‌ها در صبح می‌دهیم، ولی خود چه بهتر که این کار را خود شما بکنید، چرا خود شما نکنید؟ آن گدازه که عالم و معظم و خطیب همه به دست دارند؟ کجای دین چنین چیزی است؟ وقتی که شما استعداد دارید، می‌توانید بعد تحصیل کنید، بیان هم دارید، می‌توانید توضیح دهید، قلم هم می‌زنید، جوابی داشته باشید، می‌توانید بنویسید، هیچ منافاتی هم با عفت و کرامت و اخلاق و ایضا ندارد و بلکه ترویج اخلاق و عفت است، چرا اینکار را نکنیم؟ چرا خانمها در حد آقایان، طئه نداشته باشند؟ این چه اشکالی دارد؟ این حرفها بیخودی که تا بحال می‌گفتند که صدای زن هم نامحرم است، این حرفها بعهدالله حالا دیگر این روزها این طور نیست، ما شاهد بودیم که در حضور امام امت خانمها سخنرانی می‌کردند، امام امت از رادیو، تلویزیون، به سخنان خانمها گوش می‌داد، سخنان آهنگین خانمها را، هم بالاخره یک گوینده وقتی حرف می‌زند یک خطی به صدایش می‌دهد که با حرف زدن مدسولی محاورهای فرق دارد، امام گوش می‌دادند، این را ترویج می‌کردند، بنابر این چرا طلبه‌های خانم زیاد نشوند؟

الان مدارس ما اینهمه احتیاج به دبیر و معلم دینی دارند، ما معلم دینی مرد داریم، چرا به اندازه کافی معلم دینی خانم برای مدارس دخترانمان نداشته باشیم؟ و برای دانشگاه‌هایمان؟ و در همه سطوح؟ این چه سنت غلطی بوده که بین ما بوده، اگر وقت است، که شما دارید، اگر استعداد است، شما دارید، اگر دین است، وظیفه و تکلیف است، تبلیغ است، شما مثل ما دارید، فاسق نمی‌کند، فقط یک نکته هست، باید بگویم، عمل شود که اخلاق اسلامی مراعات شود، از نظر حضور خانمها در اجتماعات، آنجا که مردها هستند یک مقدار بالاخره در رفت و کاری‌هایی هست که باید مراعات شود، این را هم می‌شود مراعات کرد، خود این تیرها و این فاصله‌ها و اینها، یکمقدار بیشتر حرصها و بدچشمی‌ها را بوجود می‌آورد و الا اگر ما اینطورها رفتار نکنیم، طبیعتی بر خورد کنیم با مسائل، همه این چیزها عادی است، بنابر این خانمهای طلبه باید تشویق شوند و زیاد

شوند من شنیدم نگران آیندشان هستند، می‌گویند آقایان وقتی که تحصیلشان تمام شد، می‌روند پیشنماز می‌شوند، واضظ می‌شوند، اولاً شما می‌توانید پیشمار باشید برای خانمها، مگر خانمها خودشان جداگانه نماز خمسعت بسجودانند، این چه اشکالی دارد؟ پیشنماز باشید، می‌توانید معلم باشید، می‌توانید دبیر باشید، می‌توانید محقق باشید، نویسنده باشید، قلمه باشید، همه کار می‌توانید انجام بدهید، این چه اشکالی دارد برای شما؟ و خطیب می‌توانید باشید، البته خود خانمها به شما نیاز دارند، حالا مرد هم باشد، گوش بدهند، این از نظر ما که اشکالی ندارد، حالا به آن حد لزومی ندارد، چون هنوز سخنهای جامعه ما این چیزها را، اها می‌کند، البته از نظر من هیچ اشکالی ندارد، مگر در مجلس ما، خانمها در پشت تریبون سخنرانی نمی‌کنند؟ مگر این صدا و سیما ما اسلامی نیست، بالاخره برنامه‌های این صدا و سیما زیر نظر امام، زیر نظر رهبری اجرا می‌شود، اگر آنها چیزی خلاف شرع می‌پندارند، جلوسش را می‌گیرند، وقتی خانمها می‌آیند اینجا مثل مردها حرف می‌زنند، گویندعاند، چرا این حرف دینی را نتوانند بزنند؟ می‌توانند بزنند.

بعلاوه ما چند دبیر کم داریم؟ چند معلم کم داریم؟ دینی را عرض می‌کنم، خوب شماها بروید وارد شوید، خوب حالا یک قدری عادت می‌پذیرید، باید این عادت را بشکیم، در صورت حدیثهای ورزشکاری که هستند، خوب ورزش یک نیاز جدی هر انسانی است، من شکی ندارم که بسیاری از اعتراضهایی که الان در کشور ما هست، از بی تحرکی است، هم از خانمها و هم از آقایان، ما خودمان که اداری هستیم و همه‌اش روی صندلی‌ها و در اتاقهای کاری می‌شینیم، می‌فهمیم که این بی تحرکی چقدر اسباب زحمت جسمان می‌شود، خوب خانمها چرا نباید ورزش بکنند، همه انواع ورزش برای خانمها مثل همه انواع ورزش برای آقایان است، باید فقط اخلاق را مراعات کنند، احکام شرع را مراعات کنند، بدن بدنه‌شان را کسی نیبند، تحریر یک امیر حرکت نکنند، البته من صحبتی را که خانمها اینجا کردند، قبول دارم الان ورزشگاههای اختصاصی برای خانمها با شرایطی که ما می‌خواهیم، بادیوار بلند و پوشیده و امثال اینها به اندازه کافی نیست، ما کم کم می‌رویم دنبالش و تهیه می‌کنیم، ولی باید خانمها تشویق بشوند،

باید تشویق شوند، مسائل داشته باشند، مسابقه چیزی است که هر انسانی به آن نیاز دارد، البته حالا تا نیمه شب می‌باشید، جواب آن را حرف می‌کنند،

فوتبال جام جهانی را تماشا می کنند. برای چیست؟ جاذبه دارد دیگر. هر کسی این در قطرش هست. خوشش می آید از کسی که برنده می شود. آن کسی که برنده می شود، احساس شخصیت و غرور می کند. آن کسی که می بازد، احساس شکست می کند. این طبیعی انسان است. خداوند او را اینطور قرار داده است اگر این سابقه ها نباشد، دنیا خاموش می شود. حرکت انسان جامد می شود. همه تلاشها در اثر همین سابقه ها است که در بین ما هست. هر کسی فکر می کند از حریم خودش جلو بیفتد و دوست هم هست. تحصیل، کار، هر کاری. و تکیه این چند تا خانم می خواستند بروند چین. بعضی از مطبوعات هیاهو کردند. بر اساس همان سنت و فکر می کنند ماصلاً نباید سنتها را بشکنیم. کی گفته که خانم ها نروند چین و در تیراندازی شرکت نکنند. چرا در سابقه شرکت نکنند؟ حیا داشته باشند. مراعات احکام شرع را بکنند. پوشش را رعایت کنند. شرکت هم بکنند. خیلی هم خوب است!

البته یک ورزشهایی هست در دنیا که ما نمی توانیم در آنها شرکت کنیم چون شرایط در آنجا به گونه ای است که نمی توانیم اخلاق اسلامی را رعایت کنیم. یک چیزهایی را که می توانیم باید بکنیم. بپذیرد اینقدر به زنهایمان ظلم نکنیم. آنها را محدود نکنیم. اینها خیال می کنند دارند خدمت می کنند که می گویند خانمها این کارها را نکنند. خوب فکر نمی کنند که بیست و چند میلیون خانم، جوان، احتیاج به تحرک دارد، احتیاج به نشاط دارد. احتیاج به سابقه دارد. او هم روحیه دارد. او هم چیزهایی می خواهد که مردها می خواهند. این چه خشکی بیجا بر است که خداخواسته، پیغمبر نخواست، ما بخواهیم؟ واقعاً کاسه داغتر از آتش؟ ما اگر می خواهیم دین خدا را اجرا بکنیم، خوب دین خدا این نیست که شما می گوئید. آن ضد دین است چون اینها را از دین دور می کند. اگر دور نشوند. تحمل بکنند، مظلومند ظلم کردن به کسی چه حسی دارد که ما دائماً بساییم محدود کنیم. آنها را که خدا محدود نکرده، ما نباید محدود کنیم. بعضی ها می گویند خوب این کارها به خانه داری و اینها صدمه می زند. این چه حرفی است؟ آن مقدار که مسئولیت خانمها است و خدا تعیین کرده، خانمها انجام می دهند. این کارها که الان خانمها انجام می دهند که تمامش مسئولیت دینی شان نیست. گذشتان است در مقابل شوهرشان می خواهند همکاری کنند. می خواهند رفاقت کنند، می خواهند زندگیشان گرم باشد

کارهایی که می کنند اگر بخواهند هم می توانند بگویند نمی کنیم. ما از خدا که دیگر نباید در این کارها عسادلتر باشیم. آنچیزی را که خدا گذاشته، همان حق است. خانمداری چیز با ارزشی است برای خانمها. انصافاً هم خانمهای ما، در جامعه ما در حد اعلا دارند این وظیفه را انجام می دهند. بعضی از خانمها هستند که هم خانه داری می کنند و هم کار بیرون دارند، به اندازه مردشان بیرون کار می کنند، داخل خانه هم که می شوند، آشپزی دارند، جارو کردن دارند. نگه داری بچه را دارند، دوران حمل را دارند، دوران شیر دهی را دارند. انصافاً بیشتر از مردها دارند کار می کنند. توی روستاهای ما خیلی جاها همینطور است. در عشایر ما مردها در خیمه ها نشستند. زن ها دارند گاو و گوسفند را می دوشند، اداره می کنند. توی روستاهای رشت که آدم می رود لابد در فیلمها دیده اید. خانمها نازانو توی گلها و آبها هستند و دارند برنج نشاء می کنند. همین پریروز من رفته بودم منطقه زنجان برای زلزله. توی مزرعه هر چه نگاه می کردم، می دیدم خانمها دارند گوجه جمع می کنند، کار می کنند، برنج و جین می کنند. واقعاً کار می کنند، زحمت می کنند. در خانه، کار اقتصادی می کنند، خیلی از این خانمها کار دسنی می کنند و زندگی خانواده شان را اداره می کنند. قالی می بافند، گلیم می بافند و انواع اینها.

خوب، اینجا کسی حرف ندارد، حتی آن خشکه مقدس های ما هم، آقایانی که سنتی هستند، نمی گویند چرا خانمها توی مزرعه برنج با آن حالت خمیده و مشکل، گاهی هم بچه به پشت پا بچه در رحم دارند کار می کنند؟ خوب، همین خانم اگر بیاید در اداره کار بکند ممکن است آنها برایشان سنگین باشد. می گویند نمی شود، این خانه داریش عیب می کند، وظلم است دیگر. نباید اینجوری فکر بکنیم. زن می تواند دبیر یا معلم خوبی باشد. هر کدام از کارهایی که ما می کنیم او می تواند باشد. بنابر این اگر می خواهیم اسلام را در دنیا واقعاً به عنوان الگو معرفی کنیم، باید یک چیزی باشد که دنیا بپذیرد. اما اگر برای همین مردم خودمان که یک سنتی دارند و آن را قبول کرده اند و به آن عادت کردند، بخواهیم انقلاب را داشته باشیم، مردم ما ممکن است اکثرشان این وضع را بپذیرند، که البته اسلامی هم نیست، ولی اگر بخواهیم یک الگویی بدهیم که دنیا بپذیرد، آینده وقتی که کشورهای دیگر هم پیشرفته شوند، مسئله نیروی انسانی داشته باشند، کار فراوان باشد و کارگر کم باشد (که در

خیلی از کشورهای صنفی اینطور است. ما که نمی خواهیم دنیا همیشه عقب باشد. مثل کشورهای عقب افتاده باشد. ما هدفمان اینست که امکانات طبیعت را نقد کنیم و کشورها آباد بشوند. اسلام و قرآن این را می خواهند. اگر آن روز بشود، همه باید کار بکنند و الا کارها می خوابد، باید اسلام را آنطور که هست، پیاده کنیم که سایر کشورها هم اگر خواستند اسلام را مثل ما عمل بکنند، بتواند عمل بکنند. نگویند این برای ما قابل عمل نیست. آنها لایکه این خشکیها را می کنند، خدمت نمی کنند، تحقیقاً به اسلام خدمت نمی کنند. به یک سنت، به یک عادت خدمت می کنند، و این عادت هم، عادت اسلامی نیست. عمدتاً اشرافی است. عمدتاً اصلاً این سنگ که خانمها خانه نشین باشند و در محدوده حرم زندگی کنند و رابطه شان به کلی با اجتماع قطع باشد، این یک عادت اشرافی بوده که کم کم در جامعه اسلامی از طریق پولدارها نفوذ کرده و الا در طبقه کارگر خوب همین حالا هم در روستاها و در عشاير و غیره، اینها را می بینید که اصلاً این عادت پیشان نیست مسلمان هم هستند.

خوب، کسانی هستند که زندگی خوبی دارند، می توانند حرم داشته باشند، می توانند خانمهایشان را کاملاً جدا نگه دارند، می توانند زندگیشان را به تنهایی اداره بکنند. نیازی به بیرون رفتن خانمهایشان ندارند. کسی که مجبور است خانمش را بفرستد نانوائی، بفرستد مغازه نوی صف، بفرستد برای کار، دیگر اینطور نمی تواند زندگیشی کند. بده معدودی آن طوری هستند، به هر

حال دو نکته را عرض می کنم: یکی پوشش اسلامی است، خوب الان این تیبی که شماها نشسته اید، خیلی بیشتر از حد واجب هم همگی حجاب دارید، این مقدار که واجب نیست شما حجاب داشته باشید، ولی بیشتر هم دارید، خوب این عادت تروی جامعه ما هست. مراعات شئون اسلامی است در برخورد با جنس مخالف. تحریک آمیز مفیده انگیز عمل نکنیم. خانواده را حفظ کنیم. در شئون زندگی هم خانمهایمان را وارد کنیم. البته ما بعد از انقلاب، پیروزیهای مهمی هم داشتیم.

دست یک عده از خانمها از آن زرق و برقهایی که در کارهای اجتماعی داشتند کنده شده، بخاطر فسادهایی که داشتند. اما الان تحصیل خانمهایمان بحمدالله در آموزش و پرورش، سطحش خیلی بالاست، و ما داریم تلاش می کنیم که همه خانمها بهاد باشند. در دانشگاهها ما آمار دانشجویهایمان خیلی بیشتر از دوران قبل از انقلاب است. نشان هم بیشتر است.

به سطح خوبی رسیده. بالاخره این تحصیل کرده ها، کم کم جایشان در جامعه باز می شود. منتها ما به شیوه جدیدش هنوز خوب نرسیدیم. باید کم کم برسیم. وقتی که فشار کار و نیروی کار زیاد شد، ما به این چیزها می رسیم. آمادگیها باید حفظ شود، و انشاءالله شماها هم پیش فراوان حرکت بسوی فعال شدن خانمها بصورت اسلامی و انسانی و اخلاقی خواهید بود. ما شمارا به خدا می سپاریم و دعا می کنیم که موفق تر باشید. انشاءالله. □

کرونولوژی

نامید یگان

خرداد ۱۲۸۶ پس از درگذشت آیت الله خمینی، حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای به مقام «آیت الله» ترفیع یافته، به عنوان «رهبر انقلاب اسلامی» انتخاب شد.

۲۷ خرداد ۱۲۶۸ مجله «زن روز» مطلبی مبنی بر پشتیبانی از طرح «قانون برقراری بیمه خاص مطلقات مشمولین قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴» منتشر کرد. انگیزه این طرح کمک به زنان مطلقه است، بر اساس این طرح، $\frac{1}{2}$ از سابقه کار مرد که در طول زندگی مشترک به دست آورده است پس از طلاق به زن منتقل خواهد شد، اگر زن شاغل نباشد و از جایی هم مستمری دریافت نکند، می‌تواند بر اساس این سابقه از حق بیمه بیکاری و مزایای دیگر سازمان تأمین اجتماعی استفاده کند. در صورت اشتغال زن، سابقه مذکور به سنوات خدمتی او اضافه خواهد شد. این طرح قرار است برای تصویب نهایی به مجلس برود.

۱۹ تیر ۱۲۶۸ کنگره بین المللی «بررسی ابعادی چند از شخصیت حضرت امام خمینی» با شرکت «زنان از ۷۵ کشور جهان» در تهران برگزار شد. این کنفرانس از سوی «جمعیت زنان جمهوری اسلامی» برنامه ریزی شده بود.

۲۱ تیر ۱۳۶۸ طرح «اصلاح ماده ۱۸ قانون گذرنامه» در مجلس تصویب شد. طبق این اصلاحیه صدور گذرنامه و اجازه خروج انفرادی اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال دارند، به غیر از چند مورد استثنائی، ممنوع شد. مطابق بند ۲، که بند مخصوص به گذرنامه زنان است، صدور گذرنامه زنان مطابق شرایط زیر خواهد بود:

«الف - برای زنان کمتر از ۱۸ سال که به اتفاق شوهر خود قصد مسافرت دارند.

ب - برای زنان بالای ۱۸ سال با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول یا رد آن حداکثر ظرف مدت ۲ روز اعلام دارد کافی است. زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از شرط این قسمت مستثنی می‌باشند.

تبصره - درخواست صدور گذرنامه یا صدور اجازه خروج از کشور انفرادی بانوان شوهردار کمتر از ۱۸ سال که قصد خروج از کشور دارند جهت تصمیمگیری به کمیسیون موضوع تبصره ۲ این قانون ارائه می‌گردد.»

۲۲ تیر ۱۳۶۸ در انگلستان يك مسلمان ساکن شهر برمینگهام دختر شانزده ساله خود را که از خواندن نماز خودداری می‌کرد و قصد گرویدن به مسیحیت را داشت کشت.

۱ مرداد ۱۳۶۸ مسئول کمیته‌های آموزش عالی و امور بین المللی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان اعلام کرد که برای نخستین بار سمینار علمی بین‌المللی زنان در ایران برگزار خواهد شد. زهرا رهنورد نماینده شورا اظهار داشت «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان برای شناسایی خانمهای محقق و

پژوهشگر و معرفی آنان به جامعه در حال جمع‌آوری مشخصات و نوع کار تحقیقی و پژوهشی آنان است و بنا دارد يك سمینار علمی برای بانوان ابتدا در سطح ملی و سپس در سطح بین‌المللی برگزار کند که در آینده به يك کنون بین‌المللی علمی ویژه خانمها بدل شود.» وی اضافه کرد «مذاکراتی با دانشگاه پیام نور انجام گرفته است تا این دانشگاه بیشترین ظرفیت خود را به خانمهایی که امکان حضور مستمر در کلاسهای حضوری دانشگاه را ندارند اختصاص دهد.»

۲ مرداد ۱۳۶۸ نه زن در تهران به اتهام قاچاق مواد مخدر و تولید مشروبات الکلی در زندان قصر اعدام شدند. مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند که اعدام‌شدگان به این قبیل اتهامات در چند ماه اخیر به ۷۲۴ نفر رسیده است.

۶ مرداد ۱۳۶۸ انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی اصلاح متمم قانون اساسی انجام گرفت. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری انتخاب شد و اصلاحات قانون اساسی از جانب رأی‌دهندگان تأیید شد. مطابق این اصلاحات دو شرط عمده رهبری، یعنی «پذیرش اکثریت» و «مرجعیت تقلید» از قانون اساسی حذف شد.

۱۰ مرداد ۱۳۶۸ بنا به گزارش سازمان ثبت احوال آمار موالید در ایران در سالهای پس از انقلاب دائم سیر صعودی داشته است و در ده سال مورد بررسی، به جمعیت کشور ۱۹ میلیون نفر اضافه شده است. تعداد فوت‌شدگان يك میلیون و نهصد و نه هزار و ۴ نفر بوده است و سه میلیون و ۵۴۱ هزار و ۲۶ زوج ازدواج رسمی خود را ثبت کرده‌اند و ۲۱۲ هزار و ۶۹۰ زوج طلاق گرفته‌اند.

۱۲ مرداد ۱۳۶۸ سه نفر محکوم به سنگسار، در بندرعباس، دو زن و یک مرد، در حین سنگسار شدن موفق به فرار شدند. اتهام این سه تاقن دایر کردن باند فحشا و فساد بود.

۱۹ مرداد ۱۳۶۸ شش زن، در کرمانشاه سنگسار و ده زن در تهران دار زده شدند. اتهام آنان دایر کردن لانه فساد و رواج فحشا ذکر شد.

۱۹ شهریور ۱۳۶۸ محمدعلی، شرعی نماینده قم در مجلس در اعتراض به برنامه کنترل جمعیت در جمهوری اسلامی گفت: «در کشورمان کسانی که زندگی مادی خوبی داشت و عرق دینی کمتری دارند، مدتهاست به تئوری اولاد کمتر، زندگی بهتر عمل می‌کنند و می‌خواهند بچه‌هایشان دارای رفاه کامل مادی باشند و و ایران از نظر آنها فقط جای خوبی است برای پول درآوردن. ولی کنترل جمعیت بر انقلابیون، آنها که به جای رفتن به آمریکا، جاسوسخانه را اشغال می‌کنند و آنها که هشتت سال بار جنگ را بر دوش می‌کشند، تحمیل می‌شود.» وی سپس با اشاره به نقش صدا و سیما و رسانه‌های گروهی تأکید کرد که «به جای ترساندن مردم از بچه‌دار شدن می‌توانند به آنها زندگی اسلامی به معنی وسیع کلمه بدهند. نود درصد از مشکلات مادی به وسیله قناعت و تلاش و تنظیم دخل و خرج منهای تورم قابل حل است. نمونه کوچکش زندگی مردم یزد است که با سختی تولید می‌کنند».

۲۰ شهریور ۱۳۶۸ آیت الله یبیزدی رئیس قوه قضائیه در خطبه نماز جمعه این هفته در تهران اظهار داشت: «یک مقداری احساس می‌شود و از مجموع گزارشات به دست می‌آید که رفتار بعضی از خانمها و مردها امنیت را به خطر می‌اندازد. بر مسئولین اجرایی است که جلو این مسأله را بگیرند».

۲۰ شهریور ۱۳۶۸ بنا به گزارش جدید سازمان عضو بین‌المللی که ۲۰ سپتامبر منتشر شد، در هشت ماه اول سال جاری در ایران حداقل ۱۲۰۰ نفر اعدام شده‌اند که اتهام نیمی از آنان قاچاق و توزیع مواد مخدر بود و بقیه محکومیت سیاسی داشته‌اند. تعداد اعدام‌شدگان به اتهام فعالیت سیاسی در سال گذشته بالغ بر ۱۷۰۰ نفر است. تعداد اعدام‌شدگان در ایران، چند برابر مجموع تعداد اعدام‌شدگان سایر کشورها است.

۲ مهر ۱۳۶۸ اصلاحات لایحه قانون کار به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. مطابق ماده ۷۴ «انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی» برای کارگران زن ممنوع است.

۱۲ مهر ۱۳۶۸ يك دختر چهار سال و نیمه مازندرانی به نام فاضله فلاح در مدت هشت ماه دوره آموزش ابتدایی را به اتمام رسانید. وی در حال حاضر مشغول فراگیری دوره اول راهنمایی است و در عرض چهار روز توانسته است که زبان عربی دوره اول راهنمایی را به اتمام برساند.

۲۵ مهر ۱۳۶۸ خانم گوهرالشریعه دستغیب نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، به همراه هیئت اعزامی جمهوری اسلامی جهت شرکت در اجلاس سالیانه یونسکو به پاریس رفت. خانم دستغیب در کمیته زنان کنفرانس پیرامون جایگاه زن در نظام جمهوری اسلامی سخنانی ایراد کرد.

۲۷ مهر ۱۳۶۸ اولین سینار بازسازی اقتصادی جمهوری اسلامی تشکیل شد. سه سخنران زن، دکتر زهرا افشاری،

نسرین جزنی و میترا باقریان در این سمینار سخنرانی کردند. میترا باقریان که بخش مهمی از تحقیقاتش به روند اشتغال زنان در گذشته و حال مربوط می‌شود، پیشنهادهایی جهت بهبود اشتغال زنان ارائه کرد. وی در مورد وضعیت اشتغال زنان متخصص اظهار داشت که ۲۰٪ زنان تحصیلکرده در سطح آموزش عالی، بیکار و جویای کار هستند در حالیکه این آمار در مورد مردان ۱۰٪ است. وی افزود «در تمامی سالهای مورد مطالعه، بیشتر از نیمی از نیروی اشتغال خانمها در قسمت کارکن خانوادگی بدون مزد تبلور یافته و اینها کسانی هستند که در مزارع یا کارگاههای همسر، پدر و برادران خود کار می‌کنند».

۲۸ مهر ۱۳۶۸ مسئول اردوگاههای معتادین ستاد مرکزی مبارزه با مواد مخدر کشور اعلام کرد که «نگهداری و بازپروری زنان معتاد به سازمان بهزیستی واگذار شد». وی افزود «جهت توجه به خانواده های معتادین طرحهایی تهیه شده که در آینده اعلام می‌شود».

۲۹ مهر ۱۳۶۸ «زن روز» به «تعطیل ورزش صبحگاهی خواهران در پارکها و لزوم انجام دادن آن در سالنها، آن هم پس از مدت زمانی طولانی که از طرح و اجرای ورزش صبحگاهی در پارکهای عمومی می‌گذرد» اعتراض کرد. این طرح از سوی سازمان تربیت بدنی توصیه شده و مورد استقبال زنان قرار گرفته بود.

۲۹ مهر ۱۳۶۸ «زن روز» از عملکرد نمایشگاه بین المللی تهران نسبت به شرکت زنان انتقاد کرده، نوشت «سالهاست که نمایشگاه بین المللی تهران برگزار می‌شود و تا امسال مسئولان آن به طور رسمی مانع شرکت خانمها در غرفه شده‌اند و به دلایلی

که ظاهراً تا سال گذشته رسمیت قانونی داشته و امسال سندیت خود را از دست داده، امسال به یکباره این اجازه از سوی مسئولان مرکز توسعه صادرات صادر گردید، اما در همین حرکت نیز شتابزدگی خاصی دیده می‌شد بطوریکه در مواردی جایگاه اداری و رسمی برخی خانمها در شرکت یا مرکز عرضه کننده کالا مشخص نبود و گاه به صرف آشنایی و خویشاوندی در غرفه ها حاضر شده بودند که این ظاهراً با هدف مسئولان نمایشگاه تعارض داشت.

۲ آبان ۱۳۶۸ پاسداران به پارک لاله حمله کرده، ورزش صبحگاهی زنان را به هم زدند، این حرکت پس از اعلام ممنوعیت ورزش زنان در پارکهای عمومی انجام گرفت. به گزارش «کیهان» (لندن)، درگیری مابین پاسداران و زنان به عقب نشینی پاسداران منجر شد.

۴ آبان ۱۳۶۸ مرضیه حدیدچی (دباغ) نماینده مجلس شورای اسلامی از دولت خواست که اگر توانایی نهی از منکر در مورد بدحجابی را ندارد این کار را به مساجد هر محل واگذار کند تا آنها مثل روزهای اولیه انقلاب با پیاده کردن مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر شروع به کار کنند. وی اعتراض کرد که «الان کار به جایی کشیده است که عروسها را نیمه برهنه در خیابانها و میادین پیاده کرده و به رقص و پایکوبی می‌پردازند و فیلم می‌گیرند. به هر حال چون نمی‌خواهیم بی‌قانونی کنیم چند صباحی دیگر هم صبر می‌کنیم. ولی شما بدانید که صبر ما هم حدی دارد. به زودی تظاهراتی به راه خواهیم انداخت و به اطلاع می‌رسانیم که برای جمع کردن اینها از هر راهی حاضر به همکاری هستیم».

۱ آبان ۱۳۶۸ قائم مقام نهضت سواد آموزی اعلام کرد که سالیانه ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر به بی‌سوادان کشور افزوده می‌شود. وی تنها راه ریشه کن کردن بی‌سوادی را مسدود کردن راههای ورود بی‌سوادان به جامعه دانست، یعنی وقتی بی‌سوادان به سن ازدواج، استخدام یا مسافرت رسیدند از آن جلوگیری شود تا در آن مرحله بی‌سوادان مجبور به سواد آموزی شوند.

۱۸ آبان ۱۳۶۸ سازمان عفو بین المللی در گزارش سالیانه خود از ایران تأیید کرد که اعدام، شکنجه، سنگسار و قطع انگشتان در ایران همچنان ادامه دارد. گزارش این سازمان به موارد متعددی از شکنجه و آزارهای جنسی در زندانها، شلاق زدن قبل از اعدام و اعدام جوانان زیر ۱۸ سال و زنان حامله اشاره می‌کند. در ماه مارس گذشته کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نگرانی عمیق خود را از وضع عدالت اجتماعی و حقوقی در جمهوری اسلامی ابراز کرد و عفو بین المللی نیز در ماه اکتبر گزارشی از آنچه در این زمینه در داخل ایران می‌گذرد به مجمع عمومی تسلیم کرد.

۱۸ آبان ۱۳۶۸ دولت اسپانیا با صدور بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواست که از اعدام ۲۴ زندانی سیاسی زن که در خطر مرگ در زندانها به سر می‌برند خودداری کرده، آنها را به اسپانیا تبعید کند. مدیر کل حقوق بشر در وزارت خارجه اسپانیا تأیید کرد که از ۱۰۷ زندانی سیاسی زن که در زندان اوین در خطر اعدام هستند، اخیراً ۲۴ تن را از سایرین جدا کرده، به زندان نامعلومی انتقال داده‌اند. این به معنی تهیه مقدمات اعدام آنها تعبیر شده، بنابراین انتظار اعدام آنها می‌رود. نامهای مریم فیروز (۷۸ ساله) و ملکه محمدی (۷۲ ساله) از اعضای حزب توده ایران در میان این ۲۴ نفر است.

۲۰ آبان ۱۳۶۸ به گزارش «زن روز» طرح اختصاص اتوبوس ویژه زنان که از ۱۳ آبان در خطوط مختلف به اجرا گذاشته شده است، در نظرخواهی «زن روز»، زنی ابراز داشت که «به عقیده من با وجود کمبود اتوبوس این طرح کاملاً مردود است و می‌تواند مقدمه‌ای برای جداسازی خانمها در بسیاری از اجتماعات باشد.» یک راننده اتوبوس زنان گفت «در این چند روزه که این طرح به‌طور آزمایشی اجرا شده، درگیری و برخورد ما با مسافران مرد و خانواده‌ها خیلی زیاد بوده به طوری که کارمان به کلانتری هم کشیده شده است.» تعداد دیگری از زنان مسافر موافق این طرح بودند به شرطی که تعداد اتوبوسها بیشتر شود.

۹ دی ۱۳۶۸ با پایان یافتن انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی، ستاد انتخابات وزارت کشور تعداد آراء زنان کاندید را به شرح زیر اعلام کرد. از این تعداد کاندید، فقط مریم بهروزی توانست به مجلس راه یابد.

مریم بهروزی	۲۲۰ ر ۲۲۰ رأی
ربابه رفیعی طاهری	۷۷۲ ر ۷۷ رأی
رفعت بیات	۸۵۲ ر ۴۲ رأی
مهرآزما گرجی	۹۴۲ ر ۴۰ رأی
منصوره اخوان	۷۷۶ ر ۲۵ رأی

۱۶ دی ۱۳۶۸ سمینار بررسی چگونگی کنترل رشد جمعیت و تنظیم خانواده برگزار شد. سخنرانان آماری چند از رشد جمعیت در ایران ارائه دادند. ضریب رشد جمعیت در جهان ۱/۷ درصد در سال و در ایران ۲/۲ درصد است از این نظر ایران مقام اول را در آسیا دارد. حدود ۵۴ درصد جمعیت ایران به علت خردسالی عملاً مصرف‌کننده هستند

و تولیدی ندارند و این مسئله ایجاد اشتغال کامل را تا چند سال دیگر تقریباً غیرممکن خواهد کرد. سمینار لزوم محدودیت بیش از دو فرزند خصوصاً در روستاها را تأکید کرد.

۲۷ دی ۱۳۶۸ آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در ملاقاتی با شصت تن از زنان پزشك تأکید کرد که «زنان ایران به ویژه آنان که در زمینه‌های علمی در چارچوب ارزشهای اسلامی به ویژه حجاب حرکت می‌کنند باید به زنان دنیا تفهیم کنند که دستیابی به مدارس عالی علمی به معنای پشت کردن به مفاهیم و ارزشهای والای دینی و روی آوردن به مظاهر فریبنده تمدن غربی نیست و با رعایت کامل موازین دینی می‌توان کسب علم کرد و از بی بندوباری‌های رهایی جست.»

۲۰ دی ۱۳۶۸ اعظم طالقانی، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، در مصاحبهای از عدم اعطای حقوق اسلامی به زنان توسط مسئولین جمهوری اسلامی گله کرده، اظهار داشت: «اگر کار تحقیقی و اجتهادی در رابطه با خانواده و مشکلات آن با قوت و صلاحیت لازم انجام شود و رئیس جمهور نیز دو معاون زن انتخاب کند و در کنار اینها حداقل پنجاه نماینده زن به مجلس برود، می‌شود پذیرفت که کاری در رابطه با حل مشکلات زن و خانواده انجام گرفته است.» وی تأکید کرد که «لازمه فاطمه‌گونه‌شدن زنان، علی‌گونه‌شدن مردان ماست.» در مورد تجربیاتش در مجلس اول شورای اسلامی، اعظم طالقانی اظهار داشت: «متأسفانه یکی از دردهای اساسی ما همواره این بوده است که هیچ وقت از امکاناتی که داشتیم درست استفاده نکرده‌ایم ... آن زمانی که من در مجلس بودم يك طرحهایی برای امنیت اقتصادی زن بعد از طلاق یا مرگ شوهر به مجلس دادیم

اما توجهی نشد... آقایان به من جواب می‌دادند که این حکم ارشادی است و انشایی نیست، یعنی واجب نیست و وجوبی ندارد. از همان ابتدا شاهد بودم که به خانواده ارزش و اهمیت اساسی داده نمی‌شد. گروهی از نمایندگان مرد طرحی به مجلس دادند که اصلاً نماینده زن در مجلس نباشد... آقایان می‌گفتند که به خاطر مسایل سیاسی و تبلیغات خارجی است که حضور زن را در مجلس می‌پذیرند و گرنه به نظر آنها زن در مجلس کاری ندارد. البته از يك لحاظ هم درست می‌گفتند - اگر زن به مجلس بیاید و مثل موم بنشیند و به طرح مسایل نپردازد خوب يك صندلی اشغال کرده و حقوقی را ضایع نموده است... در همین دوره اخیر، چند تا هم کاندید زن منفرد شرکت کرده بودند که رأی نیاوردند. علتش چیست؟ بی‌شک یکی سرخوردگی مردم است که می‌گویند نمایندگان زن تا به حال چه کار کرده‌اند و برای چی به آنها رأی بدهیم، و دیگری به فرهنگشان برمی‌گردد. «اعظم طالقانی در مورد تشکلهای زنان مسلمان گفت: «متأسفانه زنان را درگیر مسائل خط و خط بازی کرده‌اند و این همان سیاست قدیمی اختلاف بینداز و حکومت کن است که زنان را از همکاری و همدلی یکدیگر برای حل مشکلاتشان محروم ساخته است.»

۷ بهمن ۱۳۶۸ خانم مرضیه محامدین فرد، مسئول کمیته امور اجتماعی، اقتصادی و اشتغال شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در مصاحبه‌ای با زن روز در مورد مشکلات اشتغال زنان در جمهوری اسلامی گفت: «از بررسیهایی که کرده‌ایم به این نتیجه رسیده‌ایم که قوانین و مقررات فعلی به آن حد مغایر با حقوق خانمهای شاغل نیست که ما در صدد تغییرش برآئیم. نتیجه‌گیری ما از اظهار نظر کارشناسان مختلف در زمینه اشتغال زنان این بود که ما از نظر

اجرای قوانین موجود ضعیفیم. فی المثل يك خانم با تجربه و با تحصیلات برابر با مرد فقط به این سبب که زن است استخدام نمی‌شود... می‌دانید مدیرانی که مقررات اداری ما را تعیین می‌کنند و همچنین کارفرمایان کارخانه‌ها در شرایط فعلی آقایان هستند. این آقایان هستند که زنان را استخدام نمی‌کنند... ما در زمینه اشتغال زنان از جهت فرهنگی و اجرایی دچار معضل هستیم. مثلاً شنیده می‌شود که در اداره‌ای بخشنامه محرمانه‌ای صادر شده که اصلاً خانمها را در آن اداره استخدام نکنند... صدور چنین بخشنامه‌هایی به هیچ وجه جنبه قانونی ندارد... یکی از دلایل فرهنگی عدم اشتغال زنان، اعمال اغراض و نظرهای شخصی است.»

۷ بهمن ۱۳۶۸ احجت الاسلام کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسمی که از سوی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی برگزار شده بود بر ضرورت «مبارزه جدی با افکار متحجرانه و دگم افرادی که معتقد به انزوای زنان از صحنه‌های اجتماعی هستند» تأکید کرد و گفت: «باید قوانین لازم برای مشارکت سالم بانوان در صحنه‌های اجتماعی تدوین و تصویب شود و باید متذکر شد که اشتغال بانوان حتی در پستهای کلیدی در حد وزیر و معاون وزیر هیچ اشکالی ندارد.»

۱۴ بهمن ۱۳۶۸ کنفرانس چهار روزه «اندیشه‌های امام خمینی» در تهران تشکیل شد. در این کنفرانس زهرا مصطفوی، دختر آیت الله خمینی، در طی سخنرانی خود تحت عنوان «امام و حقوق زن در اسلام» تأکید کرد که «حضرت امام در همه مسایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با رعایت نقش زنان، جای هیچ گونه بحثی را باقی نمی‌گذاشتند و زنها را تشویق می‌کردند که در سرنوشت کشورشان دخالت

کنند.»

۱۲ بهمن ۱۳۶۸ سمینار کنترل موالید در اصفهان تشکیل شد و در آن آیت الله صانعی حدود کنترل موالید را از نظر اسلام و شرع توضیح داد. وی طی گفتارش به مردانی که طرفدار تعدد زوجات‌اند و به فُتُهای که کنترل موالید را حرام می‌دانند حمله شدیدی کرده، در مورد سقط جنین گفت: «از بین بردن نطفه‌ای که در رحم منعقد شده حرام است و نباید آن را انجام داد، منتهی حرامی است که به اندازه قتل نفس نیست. از بین بردن نطفه در رحم تا قبل از آنکه روح در آن دمیده شود، ظاهراً تا قبل از چهار ماهگی، فوق دیه‌اش صد دینار است.»

۲۱ بهمن ۱۳۶۸ زهرا رهنورد عضو شورای فرهنگی- اجتماعی زنان در مصاحبه‌ای با «زن روز» گفت: «همان طور که در مورد اقتصاد، سیاست خارجی و فرهنگ، استراتژی نداشته‌ایم در مورد زن هم استراتژی ما مشخص نیست و به همین دلیل جایگاه زن در جمهوری اسلامی نیز برایمان نامشخص مانده است، یعنی نمی‌دانیم که می‌خواهیم زن، خانه دار باشد یا کارمند و متخصص، حق این بود که ما استراتژی‌مان را برای يك «زن تمام» که همه ابعاد وجودش قابلیت رشد و تعالی دارد پی‌ریزی می‌کردیم.» وی در انتقاد از برنامه‌های دولت در مورد زن گفت: «اگر برنامه پنج ساله را مطالعه کنید متوجه می‌شوید که سیاست‌گذاران ما در مورد زن چگونه فکر می‌کنند. اگر اشتباه نکنم در این برنامه فقط يك جا به زن اشاره شده است. من به عنوان يك نکته مهم عرض می‌کنم که آیا حق نبود در این برنامه که پی‌ریزی توسعه ملی ماست، يك فصل نیز برای زنان در نظر گرفته می‌شد؟... باید در برنامه توسعه ملی، مسایل علمی، فرهنگی، اشتغال، مادری، همسری و نقش

زن در توسعه ملی، مطرح و بررسی شود.»

۸ اسفند ۱۳۶۸ سمینار «بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی» در قطعه‌نامه هشت ماده‌ای خود ضمن انتقاد از تکراری بودن مطالب سمینارهای زنان از گردانندگان سمینارها و کنفرانسهای زنان خواست «بجای تکرار مکررات و احیاناً تعلیم علوم واضح و مبرهن، در همتی فرهنگی و جهادی علمی و ریشهای، در عوض برپایی سمینارهای دیگر، گستره تبلیغ را از سطح خود به عمق جامعه کشیده و سعی نمایند در بخشها و فصول عینی‌تر و زاویه‌ها و ابعاد تخصصی‌تر به مسأله زن اشاره و توجه کنند. در این جهت ما از همین تریبون اعلام می‌کنیم که برای اعتلای مقام زن و ترویج حضور ارزشی زن در جامعه و رفع موانع ضد ارزش آن، مفتخر و مصممیم که گردهمایی‌های آتی خود را از کلیات عام به موارد خاص منتقل نموده تا با حضور و استقرار در حوزه، بسیج، بنیاد شهید، مراکز فعالیتهای فرهنگی و هنری، مطبوعات و تمامی مواضع و مراکز حضور ارزشی زن، به بررسی و تدوین فرهنگی سهم این حضور بپردازیم».

۱۲ اسفند ۱۳۶۸ روزنامه «کیهان» در سرمقاله خود اعتراض شدیدی به «خط مشی کلی» مجله «زن روز» کرده، از بینش این نشریه نسبت به «زن مسلمان» انتقاد کرد. به نظر کیهان «بینش زن مدارانه» که حاصل آن زن غربی امروز است، عرصه را بر بینش «ارزش مدارانه» که نتیجه آن زن آگاه و مسلمان و انقلابی جامعه ماست، تنگ کرده است. کیهان همچنین به چاپ مقاله و عکس بی‌حجاب خانم دکتر نفیس صدیق، مدیر پاکستانی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در آن مجله اعتراض کرد.

۱۷ اسفند ۱۳۶۸ وزیر آموزش و پرورش، دکتر نجفی، در کنفرانس بین المللی «آموزش برای همه» که با شرکت نمایندگان بیش از ۱۶۵ کشور در بانکوک تشکیل شد شرکت کرد و طی سخنانی سؤنقیت‌های جمهوری اسلامی را در مورد افزایش پوشش تحصیلی کودکان و بالا رفتن درصد باسوادان به خصوص در میان زنان و دختران را برشمرد.

۱۸ اسفند ۱۳۶۸ تیمسار عباس اسیدیان رئیس پلیس تهران در گفتگویی اختصاصی با «زن روز» پیرامون طرح و اجرای جمع‌آوری زنان و کودکان متکدی، توضیحاتی ارائه داد. وی گفت زنان و کودکان جمع‌آوری شده در تهران به مجتمع بازپروری شفق انتقال می‌یابند و مورد معاینه و معالجه قرار می‌گیرند. وی اضافه کرد «ما فعلاً با این زنان به عنوان مظنون رفتار می‌کنیم چون ممکن است اینها با باندهای بزرگ در ارتباط باشند. ما در صورت پیدا کردن آدرس این زنان و کودکان آنان را به خانواده‌هایشان باز می‌گردانیم و آنهایی که سرپرستی ندارند، در این اردوگاه نگهداری خواهند شد.»

۲۱ اسفند ۱۳۶۸ آیت الله یزدی، ریاست قوه قضائیه، در جمع زنان شاغل در دادگستری و دستگاه قضایی کشور گفت: «تنها چیزی که اسلام در مورد خانها جایز نمی‌داند حکم یا قضا است ولی تمام کارهای قبل از قضا یا بعد از قضا انجام آنها برای خانها هیچ اشکالی ندارد و طبعاً هر چه درجه معلومات و تحصیلات زنان ما عالی‌تر باشد و بتوانند کار را بهتر انجام بدهند، خود به‌خود اعتبار بیشتری خواهند داشت.» آیت الله یزدی در جواب اعتراض به ممنوع شدن حق امضای زنان گفت: «طبیعی است وقتی امضا متعلق به شما باشد، معنایش اینست که پاسخگوی آن هم در همه موارد خواهید بود. به نظر من حق امضای کاری که بعهده

شما گذاشته شده است کاملاً حقی طبیعی است و من این را دنبال می‌کنم تا واقعاً بینم چه هست و چرا محدود شده است.» در مورد حضور زنان وکیل در دادگاه مدنی خاص که به علت مخالفت بعضی از قضات دچار مشکلاتی است، آیت الله یزدی تأکید خاص کرد و آن را «حق کاملاً طبیعی و شرعی و قانونی» زنان دانست که وکیل زن انتخاب کنند.

جهت اشتراك «نیمه دیگر» در کلیه کشورها چك و یا حواله بانکی به دلار و در وجه يك بانك آمریکایی به نشانی زیر ارسال شود:

P.O.Box 1468
Cambridge, MA 02238
USA

بهای تک‌شماره: ۶ دلار

اشتراك چهار شماره: فردی ۲۴ دلار، مؤسسات ۴۸ دلار
لطفاً توجه کنید که از شماره ۱۲ بهای تک‌شماره به ۷ دلار و بهای اشتراك به همان نسبت افزایش خواهد یافت.

فرم اشتراك

نام:

نشانی:

.....

اشتراك مرا از شماره..... شروع کنید.

مبلغ..... دلار علاوه بر بهای اشتراك جهت کمک به نشریه ضمیمه است.

فصلنامه زنان ایران در خارج از کشور

اسلو - نروژ

کانون زنان ایرانی نروژ بمناسبت روز جهانی زن اعلامیه‌ای به زبان نروژی تهیه کرده و در راهپیمایی و گردهمایی زنان خارجی در این روز قرائت کرده‌اند. در این اعلامیه آمده است:

«ما روز جهانی زن را در شرایطی جشن می‌گیریم که میلیون‌ها زن در کشور ما زیر اختناق و دیکتاتوری به سر می‌برند. جمهوری اسلامی حتی از برگزاری این روز جهانی خودداری کرده و روز دیگری را جایگزین نموده است تا بدین‌وسیله زنان ایرانی را از مشارکت و همراهی زنانی که برای دموکراسی و عدالت مبارزه می‌کنند محروم سازند.»
در این اعلامیه به حقوق از دست‌رفته زنان اشاره می‌شود و آزادیهای بی‌حد و حصر مردان را که باعث وارد آمدن سختی و فشار بر زنان است برمی‌شمارد. در ضمن از آگاهی نسبی زنان نیز اظهار خوشوقتی کرده است و گفته است که زنان در ایران از يك حرکت متشکل بدورند.

همراه این متن، بیانیه مشترکی نیز در رابطه با جنبش مستقل زنان نروژی تهیه و قرائت شد. کانون روی سه اصل بیانیه تأکید داشت که در زیر آورده می‌شود.

۱- حق یادگیری زبان نروژی و آموختن کار برای زنان خارجی در نروژ.

۲- مبارزه علیه نژادپرستی جزئی از مبارزه زنان است.

۳- قطع کشتار و اعدام زنان در ایران، آزادی و حقوق اجتماعی کامل برای همه زنان ایران.

Iranske Kvinne Forening i Norge

P.B. 3225

0208-OSLO 2, NORWAY

اعلامیه زیر نیز از طرف این کانون رسیده است:

عضو محترم کانون زنان،

بدین وسیله به اطلاع شما می‌رسد که بعد از برگزاری مراسم سیزده بدر و شرکت عده زیادی از هموطنان در جشن کانون مجموعه فعالیت‌های ما تاکنون بدین شرح بوده است:

- برگزاری روز جهانی کودک در تاریخ ۲۶/۶/۸۹ و دعوت از همه اعضای کانون، در این روز تعدادی از خانواده‌ها به اتفاق بچه‌هایشان در کنار درب ورودی OSLO'S جمع شده و تا مسیر مجلس در خیابان کارل یوهان راهپیمایی داشتیم. بچه‌ها پلاکاردهایی به زبان فارسی در رابطه با روز جهانی کودک با خود به‌مراه داشتند و مسئول بخش نوجوانان کانون برای بچه‌ها شعرخوانی کرده و داستان گفتند. در پایان جشن از طرف کانون به بچه‌ها کادو داده شده و با شیرینی پذیرائی گردید. چندین خانواده ایرانی در طول مسیر سئوالاتی در مورد کانون و فعالیت‌هایش مطرح نمودند.

- مراسمی بمناسبت سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی و حمایت از خانواده‌های آنان خصوصاً همسران و مادران داغ‌دیده آنها، بوسیله عده‌ای از اعضا پلاکاردهایی به زبان فارسی و نروژی نوشته شده بود که با استقبال جمع وسیعی از ایرانیان و نروژیها روبرو شدیم. کمک برای جمع‌آوری کمک مالی درست شده بود که جمعاً مبلغ ۸۲۷ کرون جمع‌آوری گردید و به کمیته حمایت از خانواده‌های کشته‌شدگان از طرف کانون ارسال گردید.

- شرکت در سمینار یکساله سازمان «صلیب سرخ». در این سازمان کانون عضو هیئت مدیره بوده و هیئت مدیره جدید که همگی نروژی هستند، انتخاب گردیدند. کانون همچنان در ارتباط با این سازمان و فعالیت‌های آن قرار دارد.

- شرکت در سمینار زنان کشورهای سوم که از ۶ تا ۸ اکتبر در اسلو برگزار شده بود. در این سمینار زنان کشورهای مختلف این کشورها پیرامون مشکلات خود و همبستگی زنان در سراسر جهان توضیحاتی دادند.

– شرکت هیئت مدیره کانون در جمع کانونهای زنان خارجی در اسلو به همراه نمایندگانی از طرف اداره مهاجرین و بحث و تبادل نظر در مورد مشکلات زنان خارجی، تدریس زبان نروژی، ارتباط با نروژیها، کودکانستان، تغذیه و وضعیت کلی زنان.

– مصاحبه هیئت مدیره کانون در مورد فعالیتهای کانون و مشکلات زنان ایرانی در نروژ با روزنامه مهاجرین Don Nye Oslo.

– انتخاب يك نماینده از طرف کانون بعنوان نماینده در ارتباط با دولت نروژ و همکاری بیشتر در مورد مشکلات پناهندگان ایرانی. در این انتخابات عضو کانون به همراه ۲۲ نفر دیگر شرکت نموده و قرار است ۶ نفر از آنها به عنوان مشاور با دولت نروژ انتخاب شوند.

– همکاری با يك دانشجوی جامعه شناسی در مورد طرحی که وضعیت زنان ایرانی در نروژ را بررسی می کند.

– ارتباط با سازمان NOAS پیرامون مشکلات يك زن تنهای ایرانی در پاکستان که مدت يك سال است از طرف سازمان FN منتظر پناهندگی می باشد.

– کمک به عده ای از خانواده ها پیرامون تقاضای ویزا برای دیدار خانواده هایشان از ایران.

– ترجمه و همکاری با عده ای از خانهای ایرانی در مورد مشکلاتشان در کمونهای پذیرفته شده.

– مشاوره و راهنمایی در مورد دکتر روانپزشك با عده ای از خانواده ها و معرفی آنها به دکتر روانپزشك در مورد مشکلاتشان.

– ارتباط مداوم و مستقیم با جنبش مستقل زنان ایرانی در اروپا و آمریکا و عضویت این کانون در این جنبشها.

به امید همکاری بیشتر از طرف شما

کانون زنان ایرانی «مقیم نروژ»



مونترال - کانادا

«جایزه هلن برای جهان»

در سال ۱۹۸۷، به همت و تحت ریاست خانم اختر نراقی، سازمانی به نام «سازمان جهانی جایزه هلن برای زنان» در مونترال پایه‌گذاری شده است. جایزه هلن جایزه‌ای جهانی است که به منظور تجلیل کارهای بزرگ زنان دنیا به آنان اعطا می‌شود. این جایزه سمبل ستایش همه زنان است - چه آنانی که به کارهای سنتی مشغولند و چه آنانی که در کارهای غیرسنتی فعالیت دارند، چه آنانی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند و چه آنانی که در کشورهای پیشرفته به سر می‌برند. جایزه هلن که هر ساله در روز جهانی زن، یعنی ۸ مارس، داده خواهد شد، مختص به تجلیل زنانی است که در عرصه خدمت به بشریت، در عرصه هنرها، پیشه‌ها، اقتصاد، علوم، آموزش، سیاست، ادبیات، فولکلور، کودکان، پزشکی، و صلح، دستاوردهایی به ارمغان آورده‌اند. این جایزه از خدمات دکتر هلن کالدیکات Helen Caldicott، رئیس سابق «پزشکان طرفدار مسئولیت اجتماعی و خلع سلاح هسته‌ای»، الهام گرفته شده است. این پزشک بشردوست و مترقی، که یکی از سخنرانیهایش موضوع فیلم «اگر کره زمین را دوست دارید» If you love this planet

(برنده جایزه اسکار ۱۹۸۲) را تشکیل می‌دهد، سالها از عمرش را وقف امر صلح کرده و وقت و انرژی و اشتیاق شدیدش را در ارتقاء آگاهی همکارانش و به جنبش در آوردن آگاهی مردم جهان صرف کرده است. جایزه هلن برای همه هلن‌های شناخته و ناشناخته‌ای است که در سیر تاریخ، در صحنه اجتماع و یا در گوشه‌ای گمنام، از خود برای آفرینش و بسط زیبایی و ارزش زندگی و دفاع از آن مایه گذاشته‌اند. جایزه سال آینده این سازمان به زنی تعلق خواهد گرفت که در عرصه خدمات اجتماعی فعالیت‌هایی برجسته کرده باشد. به عبارت دیگر، جایزه سال آینده مختص عرصه «خدمت به بشریت» است. در این رابطه، سازمان فوق از همگی زنان ایرانی دعوت می‌کند که نام هر زن ایرانی را که در ایران و یا در خارج از کشور در رابطه با زنان خدمات اجتماعی و بشردوستانه قابل ملاحظه‌ای ارائه داده است بعنوان کاندیدای جایزه هلن تا پیش از اول دسامبر ۱۹۹۰ به این سازمان پیشنهاد نمایند. برای اینکار، و نیز در صورت تمایل به عضویت در سازمان و کمک به آن، لطفاً با دفتر سازمان به آدرس و شماره تلفن زیر تماس برقرار کنید.

P.O.Box 781
Place du Parc
Montreal, CANADA H2W 2P3

514-931-1911

آزاده آزاد، مونترآل، اوت ۱۹۹۰

...

تورنتو - کانادا

دوستان عزیز نیمه دیگر سلام؛ بدنبال نامه‌ای که مدتی پیش برایتان نوشته بودم و تقاضای آمدن يك سخنران برای برگزاری ۸ مارس در تورنتو کرده بودیم و شما آدرس دو تن از دوستان و همکاران را برای ما فرستادید. بهر جهت غرض از این نگارش گزارش کوتاه و خلاصه‌ای است از چگونگی این برنامه در کانادا (تورنتو) به

همت جمع کوچکی از زنان. بنا بر تصمیمگیری قبلی از خانم نیره حکمت دعوت به عمل آوردیم و ایشان دعوتمان را پذیرفتند و ما در تدارك پیشبرد کارهای دیگری برآمدیم. در زیر شمه‌ای کوتاه از تجارب خودم را در این برنامه شرح می‌دهم:

روز برنامه ۱۷ مارس دانشگاه تورنتو بود و مطلب سخنرانی ریشه ستم‌کشیدگی زن و وجوه مختلف این ستم در نظر گرفته شد. برنامه با خواندن شعری از خانم پرتو نوری علاء همراه با نواي سه تار توسط یکی از دوستان شروع شد و سپس سخنرانی خانم حکمت (توحیدی) به مدت ۲۰ تا ۳۰ ساعت ادامه داشت. حدود يك ساعت پرسش و پاسخ بعد از سخنرانی بود. بدنبال آن تنفسی نیم‌ساعته داشتیم که شرکت کنندگان با شیرینی و چای و قهوه پذیرایی شدند. بعد از تنفس کوتاه موسیقی ایرانی توسط دو خواهر دوقلو در مایه شور (ضرب و سنتور) اجرا گردید که جان و روح تازه‌ای به فضای برنامه داد. بعد از موسیقی هم بحث آزاد تعیین شده بود که خود شرکت کنندگان بطور فردی نظراتشان را در مورد مسئله زن عنوان کنند. بحث آزاد حدود ۵ تا ۱۰ ساعت ادامه داشت و در آخر برنامه هم شاهد فیلم زیبایی به نام No way - Not me که سخنرانی خانم رُزماری براون همراه با گزارشی از وضع زنان در کانادا بود، در ضمن نمایشگاه عکس و طرح در مورد مسئله زن همه تدارك دیده بودیم و همچنین میز کتاب که آخرین شماره "نیمه دیگر" (شماره ۹) هم برای فروش عرضه شد. متأسفانه تعداد کتابها بسیار محدود و کم بود و متقاضی زیاد.

این حرکت حاوی تجاربی بود که بد نمی‌بینم که دوستانمان را هم در این تجربه سهم بدارم. اولاً اینگونه برنامه در مورد مسئله زن در سطح شهر سابقه نداشت و از همه مهم‌تر ابتکار عمل و پیشبرد همگی برنامه به دست تعدادی از زنان به‌طور مستقل بود و متکی به توان زنانه خودمان؛ چه از لحاظ عوامل مادی که همگی بر دوش خودمان بود و چه تصمیمگیری و برنامه‌ریزی. منظورم این است که از نفوذ اوامر و تصمیم‌گیریه‌ای آقایان به دور بود. چه بارها شاهد بودیم که به صرف روز زن برنامه‌ای می‌گذاشتند و از زنان فقط به صورت نمایشی

و عروسك خیمه شب بازی استفاده می‌شده، چرا که تنها نقشی که برای زنان قائل بودند نقش حاشیه‌ای و جنبی بود و اگر می‌خواستیم پایمان را از گلیم آن فراتر نهم مورد نكوهش قرار می‌گرفتیم و انواع و اقسام برچسبها دریافت می‌داشتیم، و چه بسا در طول این برنامه خود من شخصاً از ضد مرد گرفته تا فمینیسم افراطی را یدك کشیدم. ولی يك قدم از پیشبرد هدفم پای عقب نگذاشتم و به همت بقیه دوستان برنامه‌ای با کیفیتی بسیار متفاوت با هر سال و پر بار در تورتو برگزار کردیم.

دوم: با وجود اختلاف عقیده در این جمع كوچك توانستیم با بحث و گفتگو و تشریک مساعی سالم و منطقی به يك سری نقطه نظرهای مشترك برسیم که آن را پایه کارمان قرار دادیم که این خود تجربه و شناخت بسیاری در مورد کار جمعی و حرکتی مستقل برایمان داشت. در آخر اضافه کنم که این برنامه مسلماً خالی از اشکال هم نبود و ضعفهایی هم داشت از جمله به علت مسائلی تبلیغمان در سطح شهر کم بود و رسانه‌های گروهی در سطح شهر هم با ما همکاری نکردند و یکی از روزنامه‌های محلی در سطح شهر تورتو هم از زدن آگهی‌مان خودداری کرد. بهر جهت درسها و تجارب مفیدی برایمان داشت که مسلماً در حرکت آینده‌مان بی‌تأثیر نخواهد بود چه به خوبی می‌دانیم انسان زنده و فعال اشتباه هم می‌کند و تنها مردگان از اشتباه بدورند. موفق باشید

شراره، ۲۸ مارچ



شیکاگو - ایالات متحده آمریکا

زن ایرانی : چه پای درآینه

نخستین کنفرانس دو زبانه پیرامون زن ایرانی تحت «چهره‌هایی در آینه» از تاریخ ۷ الی ۱۰ مارس ۱۹۸۹ توسط فرهنگسرای نیما با همکاری دانشگاه نورث ایسترن ایلینوی، کانون فرهنگی پارس و انجمن فرهنگی ایران در شیکاگو برگزار گردید. کمیته برگزارکننده کنفرانس عبارت بودند از خانمها مهین قنبری - ناهید زاهدی - صبا ایمن نالی - ژانت آفاری - آیرین کامپس کار - مارگو اسمیت - آذر خونانی (هماهنگ کننده) و آقایان آریو مشایخی و جیمز گولووکز. برنامه این کنفرانس شامل ۴ بخش از جمله نمایشگاه آثار نقاشی و سرامیک سازی خانمها ماه مهر گلستانه و مهین قنبری، نمایش دو فیلم از انقلاب حجاب در مصر و تظاهرات بر علیه حجاب در ایران، سخنرانیهای روز جمعه ۹ مارس به زبان انگلیسی و شنبه ۱۰ مارس به

زبان فارسی و تقدیر از چند زن ایرانی صاحب مشاغل آزاد در شیکاگو بود.

جهت شناسایی زن ایرانی به جامعه غیر ایرانی برنامه‌های سخنرانی در روز جمعه ۹ مارس به زبان انگلیسی برگزار گردید. آقای حمید اکبری (دانشیار دانشگاه نورث ایسترن و مدیر وقت فرهنگسرای نیما) سخنران نخستین جلسه کنفرانس بود. ایشان خلاصه‌ای از پژوهش‌های مقدماتی‌شان درباره چند زن ایرانی صاحب مشاغل آزاد در منطقه شیکاگو را ایراد کردند. از میان مسائل و عوامل چندی که در گزارش عنوان شد، چند مورد جلب نظر می‌کرد، هیچکدام از این زنان صاحب شغل خود در ایران نبودند و تحولات انقلاب و شرایط اجتماعی آمریکا در تصمیم این زنان برای انتخاب شغل آزاد شخصی تأثیری ویژه داشته‌اند. بیشتر این زنان علی‌رغم مخالفت خانواده‌های‌شان آغاز به اداره کسب خود کرده بودند. یکی از نتیجه‌گیریهای آقای اکبری این بود که «وقفه و بی‌ترتیبی ناخواسته» در روند زندگی افراد از آنجایی که ناخواسته است نباید انسان را دچار یأس کند. بلکه او می‌باید این «بی‌ترتیبی و وقفه ناخواسته» را دلیلی برای جستجوی طریق جدید و شاید بهتر زندگی نماید. دستیابی این زنان ایرانی به طریق جدید زندگی يك نمونه بارز برای حکمیت نسبی این فرضیه تلقی شد.

دومین جلسه سخنرانی روز جمعه با مشارکت خانمها لیلی ایمن آهی (هماهنگ کننده گروه تعلیم و تربیت و خانواده در آکادمی زندگی سوئیس)، دکتر فرزانه میلانی (استاد دانشگاه ویرجینیا)، ژانت آفاری (محقق و کاندید درجه دکترا از دانشگاه میشیگان) و با هماهنگی خانم مهین قنبری (دبیر فرهنگی فرهنگسرای نیما و استاد دانشکده لیبرتی ویل) برگزار گشت. در آغاز جلسه، خانم دکتر کاتلین کارلسون معاون دانشکده مدیریت دانشگاه نورث ایسترن به حاضرین خوش آمد گفته، سپس خانم دکتر میلانی به عنوان نخستین سخنران جلسه، بخشی از کتاب تحت تألیفشان، «از طاهره تا طاهره»، را عرضه کردند. خانم میلانی در آغاز اشاره کردند که موضوع ایشان بازگو کننده ارتباط بین ادبیات زنان ایرانی و ساختار اجتماعی ایران است. در اصل عنوان

سخنرانی نیز هماهنگ موضوع بود. «طاهره» اول طاهره قره العین است که در اواسط قرن نوزدهم توأم با برچیدن حجابش صدایش را نیز با زبان شعرش رسا می‌سازد. «طاهره» دوم، طاهره صنارزاده است که در آستانه انقلاب اسلامی ایران داوطلبانه چادر بر سر می‌گذارد و آن را دلیلی برای آزادی و رساتر کردن صدای فرد قلمداد می‌کند.

خانم میلانی عنوان کردند که بر اثر همین ساختار اجتماعی بوده است که زنان بی‌شماری و ناشناسی در طول تاریخ ادبی ایران هرگز ثبت نشده‌اند و «ناشناس» مانده‌اند. این همان زنانی بودند که دیوان اشعارشان و نوشته هایشان را به عوض ثبت به روی کاغذ و کتیبه‌ها به دست «باد» و یا «سنگ صبور» سپرده‌اند. از نظر ایشان يك سؤال اصلی این است که «چگونه می‌شود که در طول سالیان دراز زنان خاموش بوده اند؟ و چگونه نیمی از جمعیت (مردان) قادر گشته است که نیمه دیگر را خاموش و یا بی‌صدا سازد و یا ناشناخته نگاه دارد؟» خانم میلانی خاموشی صدا را نقطه عطنی بر پوشیدگی و پنهان بودن زن در پس پرده حجاب تلقی کردند.

خانم آفاری، سخنران دوم روز جمعه شب، گزارش جامع و وسیعی درباره زنان خاورمیانه و جنبش فمینیسم را عنوان کردند. برخی از تحولات اخیر که به وسیله سخنران مطرح شدند عبارت بودند از گسترش اسلام بنیادگرا و تأثیر آن بر روی حقوق و فعالیت زنان در کشورهای خاورمیانه (به عنوان مثال ایران و پاکستان) و همچنین افزایش فعالیتهای مستقل زنان به صورت کمیته‌ها و انجمنهای مختلف. خانم آفاری اشاره کردند که به طور کلی زنان فعال خاورمیانه آگاهی بیشتری نسبت به مسئله جنسیت و جدایی آن از مسائل کلی چون سیاست کسب کرده‌اند.

خانم ایمن آهی آخرین سخنران جلسه روز جمعه شب، تمرکز و تأکید بحث خود را روی مسئله بیسوادی زنان مناطق روستایی ایران گذاردند. ایشان خواستار آن شدند که اکثریت زنان روستایی ایران از تصاویر و عناوینی چون «تحصیل‌کرده» و «آزاده گشته» مبرا شوند. سخنران تأیید نمودند که زن روستایی ایران در حین بی‌سوادی به طور مسلم فعالانه در امور خانه داری و اقتصادی (به صورت کار در

کارخانه ها و مزارع) حضور داشته است. خانم ایمن آهی ابراز داشتند که «دایره دوزخی» بی‌سوادی زن روستایی و انتقال آن به دختران‌شان می‌باید شکسته شود و باسواد کردن زن روستایی که اکثریت زنان ایرانی را تشکیل می‌دهد می‌باید از اولویتهای برنامه‌ریزی و اجرایی طرحهای آموزشی ایران باشد.

در شب جمعه ۹ مارس، ضیافت شامی از طرف کانون فرهنگی پارس ترتیب داده شده بود که در این ضیافت، دانشگاه نورث ایسترن ایلینوی بنا بر پیشنهاد فرهنگسرای نیما از ۴ زن ایرانی صاحب مشاغل آزاد در شیکاگو به اسامی خانمها آتوریا عزیزی، هنریتا بابائیان، زهره جدلی، و سودابه یگانه قدردانی کرد.

صبح روز شنبه ۹ مارس، نمایشگاه آثار نقاشی و سرامیک‌سازی خانمها ماه‌مهر گلستانه و مهین قنبری با حضور خود ایشان فرصتی برای علاقمندان ایجاد کرد تا از نزدیک با خود هنرمندان و آثارشان آشنا شوند.

اولین جلسه سخنرانی بعد از ظهر شنبه را خانمها ماه‌مهر گلستانه و مهین قنبری به عهده داشتند. خانم گلستانه در مورد نقش زن در هنر ایران صحبت کردند. ایشان بیشتر به نقل تاریخی در مورد نقش زن در ادوار مختلف پرداختند. نقشهای آنها را به عنوان مثال نقشهای رایج تا قبل از حمله مغول در ایران بوده است. در این سخنرانی همچنین خانم گلستانه اشاره به کتابی به نام «نقاشان ایران» کردند که در آن فقط نام ۶ زن از بین ۷۰۲ نقاش آورده شده است. سپس خانم قنبری در مورد سیمای زن در هنر ایران صحبت کردند. ایشان با نشان دادن فیلمهای اسلاید بیشتر به تفسیر شخصی از تصاویر در ادوار مختلف پرداختند. طبق اظهارات ایشان اکثر تصاویر زنان که از دوره های گذشته تاریخ ایران (ساسانی و عصر مغولان) به جای مانده، بدن زن را به نحوی مخدوش جلوه داده است. به عنوان مثال، ایشان اشاره ای به تصویری از آنها را در دوره ساسانی کردند که در آن سینه‌ها از پهلوی و زیر بغل در آمده‌اند و دستها مردانه‌اند. نکته جالب دیگر آنکه تصاویر زن و مرد در دوره مغول به نحوی است که تشخیص جنسیت اکثر تصاویر را دشوار می‌سازد. خانم صبا ایمن

نالی هماهنگ کننده جلسه فوق بودند.

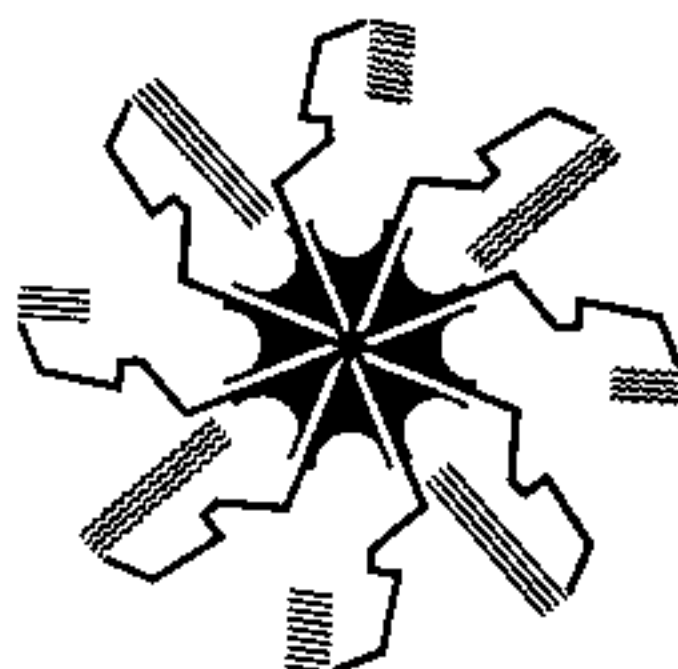
خانم ژانت آفاری هماهنگ کننده آخرین جلسه کنفرانس بودند. ایشان پس از معرفی سخنرانان، خود در مقدمه، تاریخچه‌ای از روز جهانی زن و «تفاوت آن با سایر سالگردهای دیگر در عرض قرن گذشته» را ارائه دادند. سپس خانم نجم آبادی (سردبیر «نیمه دیگر») برای اولین بار در مورد وقایع ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ در يك مجمع عام صحبت کردند. پس از مقدمه‌ای از چگونگی برپایی تظاهرات زنان، خانم نجم آبادی به تجزیه و تحلیل چگونگی ساختن یا آفریدن دو نوع «ظاهر جسمانی» زن در دوران انقلاب پرداختند. طبق اظهارات ایشان یکی از این دو نمود بدنی زن، بدنی بود انقلابی، منزه، «بلوجین» و «کت ارتشی» پوش و دیگر بدن، بدنی بود ضد انقلاب، بی بند و بار و عروسکی. پیامی که این دو بدن «ظاهر جسمانی» زن به چشم بیننده منتقل می کردند حاکی از دو فرهنگ مختلف در تقابل با هم بود: یکی انقلابی و دیگری ضد انقلاب. سؤال اصلی که به وسیله خانم نجم آبادی مطرح شد آن بود که چگونه است که فرهنگ معاصر دربرگیرنده دو فرهنگ متفاوت از «جسمانیت» زن می شود، یکی فرهنگ آزادی و دیگری فرهنگ «ننگ آور». سپس خانم نجم آبادی به تاریخچه ساختار زبانی در ۱۰۰ سال گذشته پرداختند و عنوان نمودند که زبان (در مورد زن) در ۱۰۰ سال گذشته همواره دارای دو صدای متفاوت از هم بود. در قرن نوزدهم نیز دو «تخیل» از بدن زن وجود داشت. يك بدن زن اروپایی برهنه و منحنی و دیگری بدن زن اسلامی با حجاب و پوشیده. خانم نجم آبادی سپس اشاره نمودند که در دوران تجددخواهی و مشروطه طلبی چگونه تخیل بدن زن برهنه و بی پرده و گناه آلود و منحنی تبدیل به عکس خود و مبدل به بدن زن متجدد و متمدن و سواد آموخته شد. حجاب مانع و سد راه ترقی و معرفت زنان گشت. در دوران قبل از انقلاب اسلامی در سالهای ۷۰ - ۱۹۶۰ این دو تصویر از بدن زن یکی می شوند، یعنی بدنی از زن ساخته می شود که مترقی، آزاده و باحجاب است. این بدن ساخته شده جدید نماینده نفی فرهنگ گذشته می باشد.

خانم شکیبا (نویسنده، ماهنامه پرا) در مورد «تلاش از پس پرده

حجب و حجاب» صحبت کردند. ایشان متذکر شدند که در جامعه ای مردسالار چگونه میان شاعر زن ایرانی و شنوندگانش پرده ای می افتد و چگونه زن ایرانی از بروز احساسات و عواطف زنانه در شعرش محروم می شود. یکی از این شعرای زن، پروین اعتصامی بوده است. خانم شکیبا یادآور شدند که حجب پروین در شعرهایش که مانع بروز احساسات زنانه است «دست پرورده زمانه و جامعه» بوده است. خانم شکیبا همچنین به شرح حالی از دیگر شعرای نامدار زن ایرانی از جمله مهرالنساء، مهستی و طاهره قره العین پرداختند.

آخرین سخنران کنفرانس خانم فرزانه میلانی بودند که درباره زندگی فروغ فروغ زاد صحبت کردند. ایشان عنوان کردند که فروغ ساختار اجتماعی زن را در ادبیات از پایه دگرگون ساخت و «حجاب ادبی» را برچید. خانم میلانی سپس به شرح حال زندگی فروغ پرداخته، از ماجراجویی او در دوران کودکی و شجاع بودنش در دوران نوجوانی و جوانی سخن گفتند. یکی از نکات جالب صحبت خانم میلانی اشاره به ۷ سال زندگی فروغ از سن ۱۶ تا ۲۲ سالگی بود و چگونه در این ۷ سال فروغ ازدواج کرد، مادر شد، طلاق گرفت، و از دیدار تنها فرزند خود محروم شد، سه کتاب شعر چاپ کرد و به عنوان شاعر زن ایرانی نام و نشانی یافت. مرگ فروغ در سن ۲۲ سالگی در تصادف ماشین اتفاق می افتد. از او مجموعاً ۱۲۸ شعر در پنج مجموعه چاپ شده است.

در پایان سخنرانی، میهمانان کنفرانس در ضیافتی که از طرف دانشگاه نورث ایسترن ایلینوی برگزار گردید شرکت کردند.



بنیاد پژوهشهای زنان ایران

کمبریج - ایالات متحده آمریکا

نخستین سمینار بنیاد پژوهشهای زنان ایران به تاریخ ۱۲ و ۱۳ ماه مه ۱۹۹۰ در شهر کمبریج (ماساچوست - آمریکا) برگزار شد. گلناز امین لاجوردی با صحبت کوتاهی سمینار را آغاز کرد که در آن پس از خیر مقدم به حضار گفت:

«شك ندارم که هر يك از ما به مرادی خاص به این مجلس آمده‌ایم و این تنوع خود می‌تواند منشا نیرویی باشد که وحدت ما را در اهدافمان قدرتی بخشد که فقط از چندگونگی افکار زائیده می‌شود. سالهاست که بسیاری از ما در خارجیم، مشکلات غربت را هر يك از ما به نحوی از انحا دیده و چشیده‌ایم، در آن میان شاید کمتر دردی باشد که به حد عدم امکان تماس، بسیاری از یاران صاحب‌نظر و صاحب فکر ما را به گوشه‌گیری و انزوا کشانده و چه بسا آرزوی تحرك را به سکون و امید سخن و صدا را به سکوت بدل کرده است. راهی که در پیش داریم راهی دشوار و پرخار است ولی آن کسان را که بتوانند در برابر چالش تاریخ زمان خود پایداری کنند اجرای بزرگ نهفته است که خلاصه آن را در وقایع اخیر اروپای شرقی می‌توان دید.

به همان قدر سالهاست که در هر گوشه و کنار خواست زنده بودن و فریاد زدن را در بسیاری از هموطنان دیده‌ایم و چه بسا به خود گفته‌ایم که چه باید کرد.

کاری که در پیش است بدون شك بزرگ است - سفری شاید بی‌انتها به کرانه‌های از آنچه بودیم و می‌توانیم بشویم، در میان دهها فکر و اندیشه که همه ما را به خود مشغول داشته است بدون شك نقش ما، زن ایرانی، در این تقدیری که داشته‌ایم و می‌توانیم داشته باشیم بار دیگر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در دوران پس از انقلاب و محنت‌های غربت دیگر شکی بر کسی نمانده که نقش این نیمه دیگر انسانها را در زندگی روزمره و عملی ایرانیان نمی‌توان نادیده گرفت.

به قول پروین اعتصامی:

از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند
نام این قوم از چه دور افتاده از هر دفتری

سخن از زن پرستی نیست. سخن از واقعیت عینی است که این گروه را وظیفه چیست و چه نقشی در گذشته داشت است و در آینده می‌تواند داشته باشد.

جواب یا جوابها را نمی‌دانیم. آنچه مسلم است آنکه زن را جز مادر بودن توانهایی دیگر است که در آستانه قرن بیست و یکم تقدیری دیگر بر او حکم می‌کند و امروز نیاز به تفکر و تأمل دارد. این سؤالا، یقینها و تردیدها پشتوانه جمعی است که به همت شما امروز گردهم آمده است. بنیاد پژوهشهای زنان ایران بهترین نامی است که میشد بر آرمان علاقمندانی گذارد که می‌خواهند دور از هر تعصب به نقش خود از دیدگاه تاریخ و تجربه زن ایرانی بنگرند. آغازش از نیاز و تعهدی بود که بسیاری از ما در وجود خود حس کردیم و بالاخره پس از يك سال این مجلس را باعث شد.

آنچه مسلم است آنکه انجام آن تعهدات از توان ما يك يك و تنها بیرون بود و خواستیم که راهی جهت گردهم آمدن بیابیم و این بنیاد را آغاز کنیم که مزرعه شود که در آن هر يك از ما نهاله امیدهای خود

را بکاریم و با تعهد و ایمان خود آبیاری کنیم و میوه‌های آن را به نسل‌های بعدی هدیه کنیم.

هدف آن نیست که اقیانوسی دیگر بین زن و مرد ایرانی حفر کنیم و بر تقدیر آشفته گریان و سرگردان بنشینیم. ولی اگر انسان سازنده تاریخ خویش است، به سزااست که زن را همدوش مرد در پیکار بیکران تاریخ نو بشمار آریم و اگر باشد که به قول حافظ «عالمی دیگر بیاید ساخت وز نو آدمی»، جایگاه حوا را در این پیکار بسنجیم و بشناسیم و خود را برای تاریخی دیگر و تقدیری نو آماده سازیم. به عبارت دیگر مرد و زن را به متانت ذاتی خود برسانیم.

امیدوارم که هر يك از شما این بنیاد را از آن خود بدانید و ما را به هر طریق و هر شکل که می‌توانید یاری کنید تا به همت همگانی قدمی کوچک در راه شناختن مقام زن در جامعه ایرانی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، برداریم.

روز اول سمینار به مبحث «زن در ایران پس از انقلاب» اختصاص داشت و در جلسه صبح سه مقاله زیر ارائه داده شد: «تحلیلی از دیباچه‌های زن روز در دوره بعد از انقلاب» توسط منیژه صبا، «کنترل دولت و مقاومت زنان در عرصه دانشگاه‌های ایران» توسط شهرزاد مجاب و «زنی بود، زنی نبود: بازخوانی وجوب نقاب و مفاسد سفور» توسط محمد توکلی طرقي. در جلسه بعد از ظهر فرزانه میلانی مقاله «ادبیات زنان بعد از انقلاب» را عرضه داشت و پس از نمایش فیلم «خارج از محدوده» (کارگردان: رخشان بنی اعتماد) حمید نفیسی مقاله «زن در سینمای بعد از انقلاب» را ارائه کرد. در پایان این روز فیلم «فریاد در سکوت» درباره آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان نشان داده شد و خانم فری قائم مقام در مورد فعالیت‌هایی که در زمینه کمک به آوارگان صورت می‌گیرد صحبت کردند.

روز دوم به مبحث «زن ایرانی در مهاجرت و تبعید» اختصاص داشت و این مقالات عرضه شدند:

مهناز افخمی، «تاریخ شفاهی زنان ایرانی در خارج از کشور»
نیره توحیدی، «بررسی تأثیر مهاجرت در زندگی زنان ایرانی در کالیفرنیا و جنوبی»

مینو معلم، «ورای قلمرو خصوصی و عمومی: تجربه زنان مهاجر ایرانی در مونترال»

در برنامه بعد از ظهر روز یکشنبه دو میز گرد «تجربه سازمانها و گروههای زنان ایرانی» (با شرکت الهه اسانی، گوهر فراهانی، مرجان محتشمی، فرانک میرآفتاب، زهره نژاد) و «فعالیت‌های مطبوعاتی زنان ایرانی» (با شرکت شهین آسایش، مهناز انیسیان، مهنوش مزارعی، افسانه نجم آبادی) به بحث این فعالیتها امکان داد.

در کنار برنامه سمینار نمایشگاه نقاشیهای فریده لاشایی به همت شهره اسفندیاری برگزار شد.

استقبال وسیعی که از این سمینار شد برگزارکنندگان آن را مصمم داشته است که سال آینده نیز چنین سمیناری برگزار کنند.

اگر چه در هر دو روز پس از ارائه هر مقاله زمانی به «گفت و شنود» گذشته بود، در پایان روز دوم که ساعتی به بحث سمینار و مشکلات آن و پیشنهادهای شرکت کنندگان اختصاص داده شد روشن شد که زمان بحث کافی نبوده است، و رأی عمومی بر این بود که در برنامه‌های آینده زمان بیشتری جهت سؤال و جواب و بحث اختصاص داده شود. از جمله انتقادهای برخی شرکت کنندگان از بنیاد دعوت از سخنرانان مرد بود، در این زمینه توضیح مختصری داده شد که از نظر بنیاد ماهیت کارهای پژوهشی و فعالیتها مطرح است و نه مرد یا زن بودن افراد، اگرچه در شرایط مساوی نهایت سعی بر آن خواهد بود که امکانات بنیاد راه را برای شرکت وسیع‌تر زنان فراهم آورد.

کلیه مقالات این دو روز در شماره ویژه‌ای از «نیمه‌دیگر» به چاپ خواهد رسید.

«نگرش و نگارش زن»

«نگرش و نگارش زن» عنوان سلسله انتشاراتی خواهد بود که جویای چگونگی تولید اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و حقوقی زن و زنانگی در دوره های تاریخی و طرزهای ادبی و هنری متفاوت است. دوگانگی طبیعی جلوه یافته گونه زن و مرد بیان نمادین روابط قدرت در گستره های متفاوت اما بهم پیوسته زندگی خصوصی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و حقوقی است. امیدواریم که چاپ اسنادی که بیانگر چگونگی نگرش و نگارش «زن» و «زنانگی» در زمانه ها و طرزهای متفاوت است به شناختی تاریخی از رابطه قدرت و جنسیت در ایران انجامد.

ویراستاری این سلسله انتشارات را محمد توکلی طرقي و افسانه نجم آبادی برعهده خواهند داشت. فرزانه میلانی، شهلا حائری، رکسان زند، احمد کریمی حکاک، نیلوفر شامبیاتی، مهناز افخمی، سیروس امیرمکری، فریبا زرینه باف، نیره توحیدی، حسن جوادی، و ناهید یگانه دعوت ما را برای ویرایش بخشهایی که در گستره پژوهشهای شان است پذیرفته اند. از دیگر پژوهشگرانی که علاقه مند به همکاری و ویرایش بخشهایی از این مجموعه باشند دعوت می کنیم که پیشنهادهای خود را جهت همکاری با طرح «نگرش و نگارش زن» برایمان بفرستند.

فهرست مقدماتی:

- ۱- زن در پندنامه‌ها، نصیحت نامه‌ها، طنزنامه‌ها، نظم و نثر کهن
- ۲- نگران زن فرنگ: برگزیده‌ای از سفرنامه‌های پارسی زبانان به اروپا
- ۳- زن در نوشته‌های اندیشه گران قرن نوزدهم ایران
- ۴- چاپ **تادیب النساء**
- ۵- چاپ **معایب الرجال**
- ۶- زن در ادبیات مشروطیت:
 - الف - نامه‌های زنان به مطبوعات مشروطیت
 - ب - مقالات مربوط به زنان
 - پ - زن در شعر مشروطیت
 (گزیده‌ای از: «انجمن»، «ایران نو»، «صور اسرافیل»، «ندای وطن»، «کشکول»، «مساوات»، «تمدن»، «صبح صادق»، «الجمال»، «ملا نصرالدین»، «دبستان»، «اختر»، «حبل المتین»، «ارشاد»، «حقایق»، «ثریا»، «پرورش»، «آذربایجان»، «زنبور»، «چهره‌نما»، «حقوق» و دیگر نشریات دوره مشروطیت)
- ۷- زن در نشریات نوگرا: گزیده‌ای از مقالات «بهار»، «نوبهار»، «شرق»، «فرنگستان»، «آینده»، «ناهید»، «آزادیستان»، «تجدد»، «نامه پارسی»، «تقدم» و دیگر نشریات دهه‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰
- ۸- زن در نشریات اسلامی ۱۹۱۱ تا ۱۹۳۵
- ۹- «جهان زنان» - گزیده‌ای از مقالات نشریه ایران‌شهر
- ۱۰- تجدید چاپ نشریات زنان در سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۵ از جمله: «زبان زنان»، «عالم نسوان»، «شکوفه»، «بانوان»، «نامه بانوان ایران»
- ۱۱- زن در جنبش کمونیستی ایران
- ۱۲- زن در مذاکرات مجلس
- ۱۳- زن در جنبشهای ملی و دمکراتیک - ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۲
- ۱۴- زن در قانون
- ۱۵- زن در آمار
- ۱۶- اسناد سازمان زنان ایران

- ۱۷- زن در جنبشهای اسلامی ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸
- ۱۸- زن در اسناد کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی
- ۱۹- زن در نشریات دوران انقلاب
- ۲۰- تجدید چاپ نشریات زنان در دوران انقلاب
- ۲۱- زن در منازعات و مناظرات جمهوری اسلامی

علاقه مندان می توانند به نشانی زیر با ما تماس بگیرند:

Afsaneh Najmabadi
Center for Middle Eastern Studies
Harvard University
1737 Cambridge Street
Cambridge, MA 02138
U.S.A.

یا

Mohamad Tavakoli-Targhi
Department of History
Illinois State University
Normal, Illinois 61761
U.S.A.

انجمن ایرانیان کانادا

– سایبان ، نشریه فرهنگی هنری جامعه ایرانیان کانادا، شماره های ۲۴ الی ۲۸.

Sayeban
P.O. Box 615, Station "R"
Toronto, Ont. M4G 4E1
CANADA

– نشریه جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

ضمیمه آزاده، دهم دسامبر ۱۹۸۹، و شماره های زمستان ۱۳۶۸ و بهار و تابستان ۱۳۶۹

Liga-Iran
P.O. Box 150752
D-1000 Berlin 15
Germany

– پویش، نشریه سیاسی، دوره دوم، شماره های ۱ و ۲

– قلم، شماره های ۲۰ و ۲۱

– درمانده و سرگردان (نمایشنامه)، سوشیانس ژراس وند

– پرو، دی ۱۳۶۸، شماره ۴۸

Par, Monthly Journal
P.O.Box 11735,
Washington, DC 20008
USA

– مهاجر

Den Iranske Forening I Danmark
Vesterbrogade 20-3 SAL T.V.
1620 Kbh. V, DENMARK

– دفترهای شعر: ۱ – انتظار

۲ – رقص جاودانی

Reza Farmand
Jagtvej 120 Var. 103
2200 Kobenhaven N.
Denmark

— خبرنامه بنیاد استقلال ایران، بهمن ۱۳۶۸ و نوروز ۱۳۶۹

P. O. BOX 1894
SAN PEDRO, CA. 90733-1894

— ماهنامه جمهوری خواهان ملی ایران، شماره های ۲۵ الی ۲۸ و ۳۰ و ۳۱

P. O. Box 2277
Lawrence, KS. 66045

— جبهه همگام، شماره هفتم، ژانویه ۱۹۹۰ (بهمن ۱۳۶۸) و شماره هشتم، آوریل ۱۹۹۰

P. O. Box 50047
Long Beach, CA. 90815

— انقلاب اسلامی در هجرت، شماره ۲۱۹، ۲۴-۱۱ دی ماه ۱۳۶۸ و شماره ۲۲۰، ۲۵ دی-۸ بهمن ۱۳۶۸

P. O. Box 944, Station A
Canborough, Ontario
M1K 5E4 CANADA

— نامه مردم، شماره های ۲۸۸ الی ۳۱۲

P.O. Box 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

— آخرین شاعر جهان، علی عرفان، انتشارات خاوران، چاپ اول، پاریس، دی ماه ۱۳۶۸

— همبستگی، شماره ۱۱، اوت ۱۹۸۹، شماره ویژه، اکتبر ۱۹۸۹

Postfach 111544
6100 Darmstadt
Germany

— سوسیالیسم، شماره های ۱۵، ۱۶، مهر و بهمن ۱۳۶۸

Post Fach Nr: 910983
3000 Hannover 91
Germany

— «زن در روی زمین»، عباس میرزاده، ۲۶ ژانویه ۱۹۹۰

3621 - 14th Ave. W#6
Seattle, WA. 98119

- نامه دوست، گاهنامه کانون ایرانیان - کنتیکت، شماره های ۵ الی ۹
6 Cindy Lane
Norwalls, CT. 06851

- مجله ایران شناسی، شماره های ۲ و ۴، پاییز ۱۳۶۸ و زمستان ۱۳۶۸
Iranshenasi
P. O. Box 30381
Bethesda, MD. 20814

- نامه شیدا، شماره ۱ الی ۲، زمستان ۱۳۶۸ و بهار ۱۳۶۹
19336 Montgomery Village Ave. #111
Gaithersburgh, MD. 20879

- کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران، شماره های ۵۵ الی ۵۷
Post Fach 501722
5000 Koln 50
Germany

- بیداری ما - ارگان تشکیلات دمکراتیک زنان، شماره های ۱۲ الی ۱۸
D.O.I.W.
P.O.Box 2696
New York, NY 10185-0023

- فروغ - معرفی ادبیات زنان، شماره دوم، زمستان ۱۹۹۰ و شماره سوم،
بهار ۱۹۹۰

Forough
P.O. Box 7448
Culver City, CA. 90233-7448

- سیمرخ، شماره ۵، نوروز ۱۳۶۹ و شماره های ۱۲ الی ۱۴
Persian Heritage Language Group
C/O B.M. Parsi
1771 Beechknoll Ave.
Miss., Ont. CANADA L4W 3R5

- بالاتر از میاهی، علی بوبری

- پنجره، شماره های سوم و چهارم فروردین و تیر ۱۳۶۹

GIF
Postfach 90
1090 Wien, AUSTRIA

- زن ایرانی، جلد پنجم، شماره های ۱ و ۲

Iranian Woman
238 Davenport Rd. #334
Toronto Ont. CANADA M5R 1J6

- مشق های من در شعر، محمد سینا
ناشر:

Roya
Poste Restante 22101 WND
SWEDEN

- رویا - گاهنامه فرهنگی- هنری، شماره ۸، فروردین ۱۳۶۹

Roya
Poste Restante 22101 WND
SWEDEN

- دنیای سخن، شماره های ۲۹ الی ۳۲
نشانی: تهران، ایران - صندوق پستی ۱۹۲۵ - ۱۴۱۵۵

- «کله» ماهنامه فرهنگی و هنری، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۶۹ و شماره ۲
خرداد ۱۳۶۹

نشانی: تهران، ایران - صندوق پستی ۹۱۶ - ۱۳۱۴۵

- «اختر»، دفتر هشتم، زمستان ۱۳۶۸

Akhtar
Neza B.P. 312
75624 Paris 13
France

- نامه بنیاد فرهنگی سعوی، شماره های ۱ الی ۳

5, Route de Chene
1207 Geneve
Switzerland

- آیندگان، سال ۱۲، شماره ۶، به ۱۹۹۰

1429 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024

- «با زبان زخم زمین»، روشنگر، بهار ۱۳۶۹، سوند

– اهل غرق، منیره روانی پور،
چاپ: تهران، خانه آفتاب، زمستان ۱۳۶۸.
نشانی: تهران، ایران – خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، انتشاراتی نیلوفر

– زن، شماره ۵، تابستان ۱۹۹۰

Zan Magazine
P. O. Box 17347
Encino, CA. 91416

– بیدار، دفتر ادب و هنر، شماره ۲، دوره جدید، پاییز ۱۳۶۸

Bidar
Postfach 520463
D-5000 Köln 51,
Germany

– جستار، گفتار و افکار – نکته‌هایی درباره ادبیات و سیاست
بائر شاد، بهار ۱۳۶۹

– دیدار با خورشید، افسان افروز، بهار ۱۳۶۹
ناشر: نشر ندا، زاربروکن – آلمان غربی

– نقد، شماره ۲، خرداد ۱۳۶۹

P.L.K.
Nr. 75743C
3000 Hannover 1
Germany

– سندی بر موج – رضا افشاری، چاپ اول، آذر ۶۸، انتشارات پرنیان

– گفتگوی بتی فریدن با سیمون دوبووار – کانون دمکراتیک زنان ایرانی

Postamt 1104
Post fach 34
Wien, AUSTRIA

– بررسی کتاب، شماره ۱، خرداد ۱۳۶۹

The Persian Book Review
13327 Washington Blvd.
LA., CA. 90066-5107

– پژواک، شماره‌های ۱ الی ۲

P. O. Box 3434
Columbus, OH. 43210

- بیان انقلاب اسلامی ایران، شماره های ۱۶ و ۱۷

P.O. Box 944
Station A
Scarborough, Ontario
M1K 5E4, CANADA

- کارگر امروز، شماره ۴

I. W. A.
P. O. Box 25A72
LA. CA. 90025

- دموکراسی در ایران، ابراهیم خسروی زاده فروشانی، ۱۳۶۹

1629 Call Ciervos
San Dimas, CA 91773

- پیام زن - نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان، سال دوم، شماره ۴ و سال سوم، شماره ۱.

مجموعه تصانیف و سرودهای میهنی
وقتی خدا مرده را میفرماید
سخنی با آقای برهان الدین ربانی

RAWA
P.O.Box 374
Quetta, Pakistan

- نگاره، شماره اول

991, N. Tustin Ave., #301
Orange, CA 92667

- زنان جنگجوی نامدار در تاریخ و اساطیر، میرحسن عاطفی

- ملیتهای از فزل زنان، معین الدین محرابی

- نره المعین، شاعره آزادیخواه و ملی ایران، معین الدین محرابی

- معرفی کتاب، کتابهای فارسی منتشره در خارج کشور، جلد اول، ۱۳۶۰ ع
شهریور ۱۳۶۹، معین الدین محرابی

هرچهار کتاب فوق از نشر رویش:

M. Mehrabi
Postfach 10 14 13
5000 Köln 1
Germany

Publications in English

CARI

Campaign Against Repression in Iran

Spring '90 #4

BM CARI

London, WCIN 3xx

Shibley Telhami, **Power & Leadership in International Bargaining**, New York: Columbia U. Press, 1990.

Richard W. Bulliet, **The Camel and the Wheel**, New York: Columbia U. Press, 1990.

Oleg Grabar, **The Great Mosque of Isfahan**, New York: New York U. Press, 1990.

Amnesty International, **Iran: Women Prisoners of Conscience**, May 1990
332, Eighth Ave. , NY, NY. 10001

فرهنگسرای نیما

Nima Cultural Institute

منتشر شد:

گزینۀ اشعار سیمین بهبهانی

۱۲ دلار و هزینه پستی

"تراژدی چشم اسفندیار"

نگاهی انتقادی به کارنامهء روشنفکران در تاریخ معاصر ایران

دکتر باقر پرهام

۴ دلار و هزینه پستی

منتشر می شود:

بازاندیشی زبان فارسی داریوش آشوری

فرهنگسرای نیما بنیادی فرهنگی، آموزشی و غیر انتفاعی می باشد که برای حفظ و گسترش زبان و فرهنگ و هنر ایران بنیان نهاده شده و مستقل و وارسته از هر سازمان و گروه و گرایش سیاسی می باشد.

Nima Cultural Institute
c/o Illinois State University
Normal, Illinois 61761

IMAGE ART GALLERY

گالری تصویر

جایگاه ویژه برای ایرانیان و علاقمندان به هنر ایران

جست‌ترین کتابهای ایرانی

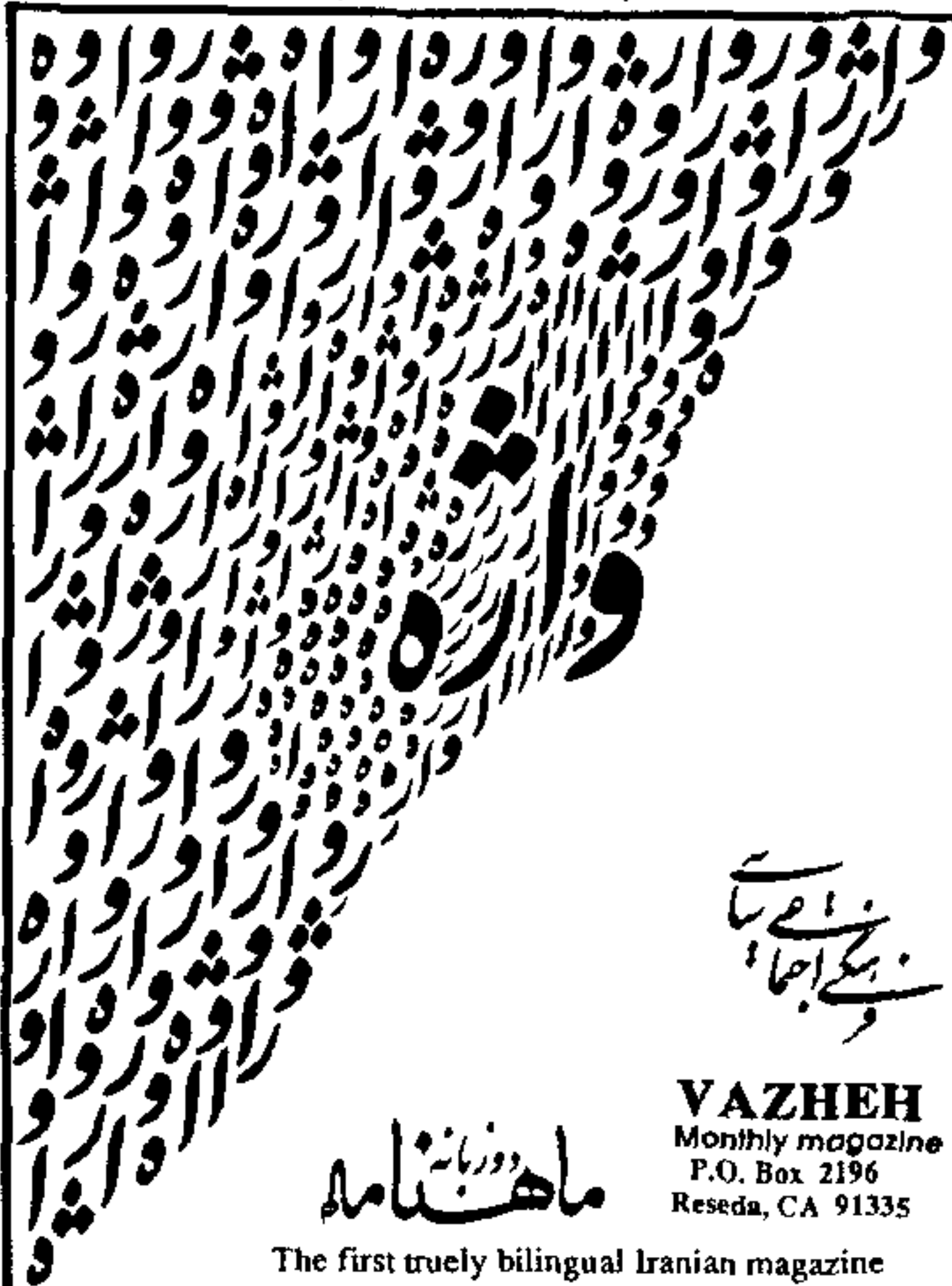
نوارهای
موسیقی و فیلم ایرانی

انجام همه گونه سفارش فنی
صنایع دستی ایران
هدیه های نفیس خانگی

(818) 344-6494

18238 SHERMAN WAY,
SUITES 103& 104
RESEDA, CA 91335

برودی آشپزی



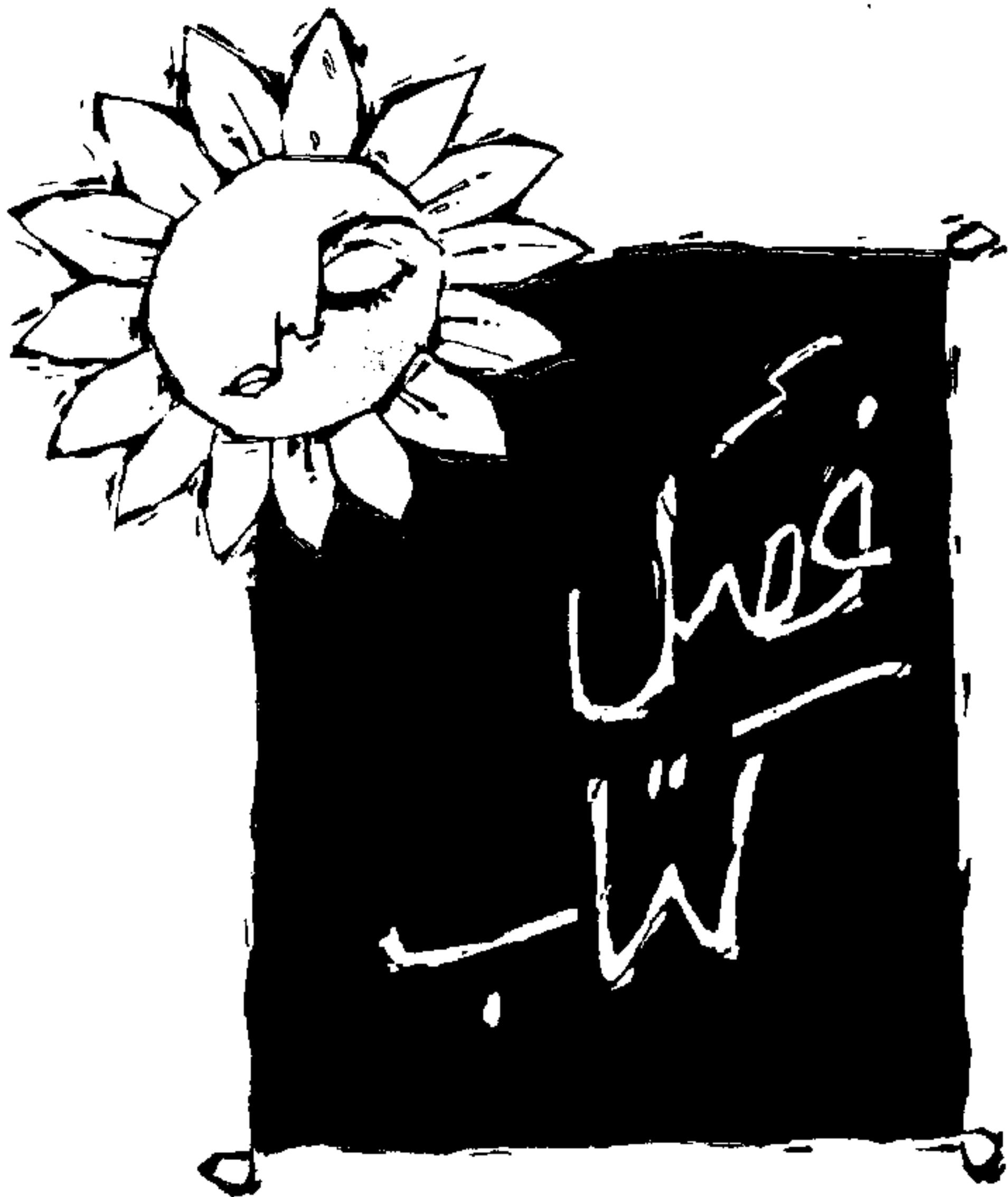
نسخه سانس
نسخه اجما

ماهیانه

VAZHEH
Monthly magazine
P.O. Box 2196
Reseda, CA 91335

The first truly bilingual Iranian magazine

برای اشتراک می توانید آدرس مجله مستقیماً تا بن کپی



فصلنامه ویژه نقد و بررسی کتاب

Fasl - e Ketab

Persian Book Review Quarterly

Founded by Manuchehr Mahjoobi

P.O.BOX:387, London, W5 3UG, England



GIF
Gesellschaft unabhängiger Iranischer
Frauen in Österreich - Wien

Postfach 90
1090 Wien

جامعه مستقل زنان ایران در اتریش - وین

منطقه پستی ۹۰
منطقه ۱۰۹۲ وین

زن ایرانی

فصلنامه ادبی، اجتماعی و فرهنگی برای زنان

ناشر و سردبیر: شهین آسایش

بهای تک شماره: ۲/۵ دلار کانادا، ۲ دلار آمریکا
اشتراک سالیانه: ۱۰ دلار کانادا، ۱۰ دلار آمریکا
(خارج از کانادا)

نشانی: 238 Davenport Rd., #334
Toronto Ont., M5R 1J6
Canada

کتابفروشی ایران مرکز جامع کتابهای مربوط به ایران در خارج

IRANBOOKS

Persian & English books about Iran

کتابفروشی ایران

درواشنگتن

(301) 986-0079

مرکز بخش



- شراب نیشابور، رباعیات خیام، شاهرخ گلستان
- ایران در عصر پهلوی از مصطفی الموتی (تا کنون پنج جلد منتشر شده)
- خاطرات و تألمات مصدق (ترجمه انگلیسی هم موجود است)
- دیوان حافظ شیرازی (از انتشارات زیبا - چاپ لندن - طلاکوب)
- آثار و ترجمه های استاد مهدی نخستین
- امیدها و ناامیدی ها از دکتر کریم سنجابی
- آئینه عبرت از دکتر نصرالله سیف پور فاطمی
- الماس وریگ، درباره رضا شاه از معاش
- ایران حلقة مفقوده از حسن برمک
- انواع فرهنگنامه ها • انواع فرهنگنامه ها
- انواع کتابها برای آموزش فارسی برای انگلیسی زبانها
- و آموزش انگلیسی برای فارسی زبانها

کتابفروشی ایران همه روزه غیر از یکشنبه ها
از ۱۰ صبح تا ۶ بعد از ظهر باز است

8014 Old Georgetown Road
Bethesda, Maryland 20814, U.S.A.

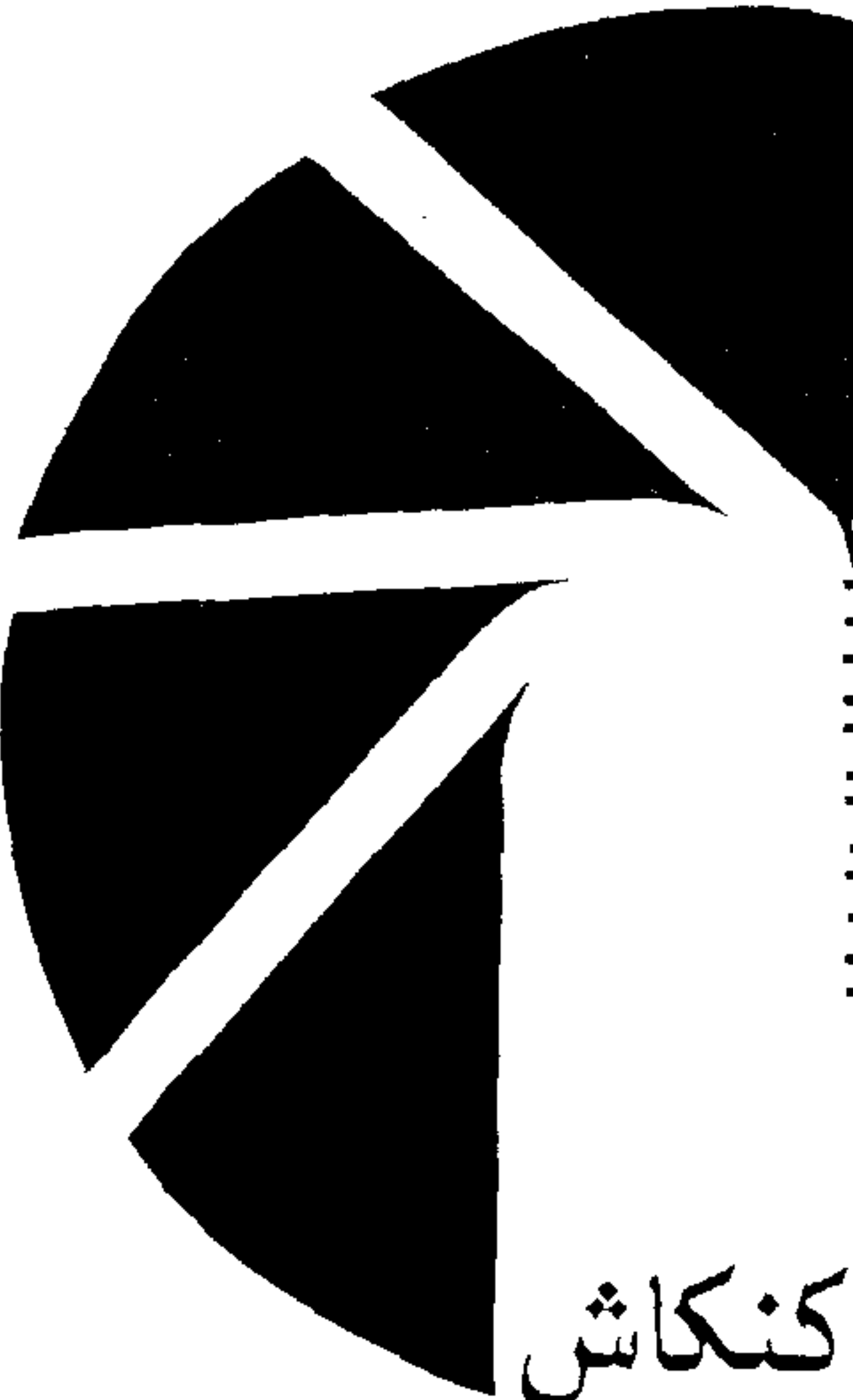
همکاران این شماره

نویسنده	پاسخ به سؤالات	نقاشی	آشپزی
فاطمه آبادی	(ادبی) نادر نادری	شهین احسانی	شهنار عالی
دکتر هاله افرازی	(روانشناسی) دکتر بهشت فرودی	عکس روی جلد	جدول مقاطع
مرجان بهار	(عقلم) دکتر اردشیر بابک بابا	مهران اعتمادی	فاطمه آبادی
فرزانه بهار	(عقلم) دکتر ریموند جانفرا	تاب	بازار یابی
دکتر نیره نوحیدی	(هنری) مهندس ماه مهر گلستانه	فرناز	با همکاری سهیلا بودا
فرهاد شاه حسینی	ترجمه	تاب پست	امور مالی
ن. قطار	دکتر هاله افرازی	نازلی زاهدی	فراغی غیر حواء
دکتر فریده فضلیان	نگاه انسانی		شول و سردیر
شیرین کبان	پروانه رحیمی		تسریل متحد
سالار مسم	مریم شاه حسینی		
دکتر کیومرث ناصری	پروانه یوسف زاده		
پرویز ناظریان			
گلبرگ نشون			
نازی نهکی			
پروانه یوسف زاده			

ZAN. MZ
(818) 344-2865

اطلاعیه

«نیمه دیگر» در نظر دارد شماره‌ای ویژه داستانهای کوتاه زنان ایرانی چاپ کند. با ما تماس بگیرید و داستانهای چاپ نشده خود را برایمان بفرستید.



ادبیات پس از انقلاب

- بهران مقال چپ گرا در ادبیات
- مدرنیسم در مقابله با پوپولیسم در داستان
- تاریخ در داستان
- مانا و میرا در شعر
- در غربت شجده ماندن
- اوضاع نقد مکتبی
- در باره بحث های ادبی در ایران
- مصاحبه با مانی
- عطار و شرق حلاج به مرگ
- تعبیر امروزین تراژدی
- نقد آثار رشدی، براهنی، پروین
- و پارسا پرر

کنکاش

درگستره تاریخ و سیاست

KANKASH
P.O. Box 4238
New York, N.Y. 10185-0036
U.S.A.

دفتر ششم
بهار ۱۳۶۹



همراه با مقاله؛ داستان؛ شعر؛ نقد و معرفی کتاب

«فروغ»
معرفی ادبیات زنان

شماره سوم - بهار ۱۹۹۰

زیر نظر هیئت دبیران

بهای تک شماره ۲ دلار

نشانی:

FOROUGH
P.O. BOX 7448
CULVER CITY, CA 90233
U.S.A.



Nimeye Digar

Persian Language Feminist Journal

No. 12/13, Autumn and Winter 1990/1991

In This Issue:

Homa Sarshar, Mina and Iguana

**Arlene Dallalfar & Sara Amiri, Iranian Women's
Employment in Los Angeles Area**

Mandana Hendesi, Immigration and Married Life

Anahita, Problems of Iranian Women Abroad

**Fathieh Z. Yazdi, Experiences from Iranian
Community Center (London)**

**Azadee Azad, Uproar of Glassnost and
Voicelessness of Soviet Women,**

Interviews with Forugh Shahab, Vida

Edalat, Mohamad Ali Jamalzadeh,

**Plus poems, short stories, archives, chronology, and
reports from Iranian women's activities abroad.**

Price: \$10.00

Subscription rates for four issues:

Individuals \$24.00/ Institutions: \$48.00

All correspondence to:

NIMEYE DIGAR

P. O. Box 1468

Cambridge, MA 02238

USA

